

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، منعی ندارد.

مگه میشه؟ مگه داریم؟؟

صفحه ۹



تاکید بر توسعه ارتباطات بین‌المللی دانشگاه

صفحه ۱۱



سرآغاز

این جنگ ادامه دارد

سیامک شادکام

خیلی پیش از این مطلبی می‌خواندم که اعراب در جنگ‌های قبیله‌ای خود، پرچم قرمز رنگ را به این عنوان قلمداد می‌کردند که برای جنگ آماده‌اند و از دید آنها هنوز هم جنگ ادامه دارد. آن بالا روی گنبد ابا عبدالله (ع) هم قبل از اینکه ماه محرم فرا برسد پرچم سرخ دلربایی می‌کرد. شاعرین و مادحین هم در کنار موج خوردن این پرچم حرف‌ها زده‌اند و سلیقه‌ها به خرج داده‌اند. این‌ها را گفتم تا بدانیم که این جنگ هنوز هم ادامه دارد. هنوز هم حسین هل من ناصر می‌گوید و سپاه شمر هم در مقابل. خدا رحمت کند پیر جماران را. می‌گفت «جنگ ما جنگ عقیده است... تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. ما تا مبارزه هست، ما هستیم». اکنون که اوضاع منطقه را می‌بینیم شاید جنگ حق و باطل را بهتر احساس کنیم و این جمله امام را بیشتر درک کنیم. بر کسی پوشیده نیست که دانشگاه نیز برای خود یک میدان جنگ است. شمایمی که درس می‌خوانید و برای اعتدالی این کشور به دنبال علم هستید جهادگرید و مجاهد فی سبیل الله. گرچه ما در بسیاری از علوم به اذعان مراکز بزرگ علمی دنیا در رتبه اول جهان قرار داریم اما باز هم در برخی از علوم جای کار بسیاری هست که مجاهدت شبانه روزی دانشجویان و استادان علمی را می‌طلبد. این علم اقتدار آفرین است و تا زمانی که مصرف کننده علوم باشیم قطعاً درجا زده‌ایم. قرن بیست و یک قرن جنگ علم‌هاست و این علم است که برای ما قدرت می‌آورد و ترس دشمنان ما هم از این نوع اقتدار است. بنابراین خود را برای این جنگ آماده کنید.



واکاو حادثه منا و مدل رفتاری دولت در نشست دانشجویی:

سخنان رهبری موجب تغییر رفتار عربستان شد

صفحه ۲ و ۳



از بس که غم حسین در خاطر ماست...



ریاست طلبی، دنیا محوری و جهالت و نادانی از مواردی است که موجب دشمنی با امام حسین (علیه السلام) و به شهادت رساندن ایشان شد. گفتنی است این مراسم تا شب یازدهم بعد از نماز مغرب و عشاء با روضه‌خوانی و نوحه سرائی مداح اهل بیت حاج سید مهدی حسینی و با حضور عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) برگزار شد. در پایان این مراسم هر شب عزاداران حسینی بر سر سفره ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) میهمان بودند. از نکات جالب این مراسم دسته‌های عزاداری بود که در روز ششم ماه محرم الحرام در طی مسیر دانشگاه، حاشیه بزرگراه جلال آل احمد و خیابان کارگر شمالی به عزاداری پرداختند. آغاز حرکت عزاداری حسینی که با شرکت قاطبه دانشگاهیان اعم از استادان، دانشجویان و کارکنان همراه بود، از مقبره شهدای گمنام دانشگاه انجام گرفت. لازم به ذکر است این دسته عزاداری در مسیر حرکت توسط مردم مشایعت و همراهی شد.

تشریح در عالم، گفت: خدای متعال هر دو نظام را مقدر فرمود، و هر دو نیز هدفمند بوده و در ضمن هدف نظام تکوین همان هدف نظام تشریح است. خداوند همان‌گونه که تغییر در نظام تکوین را که تغییر در نظام آفرینش اوست بر نمی‌تابد، تغییر در نظام تشریح را نیز که در اصطلاح تحریف می‌باشد هیچگاه نمی‌پسندد و روانمی‌دارد. وی با تبیین اهمیت این دو نظام و ضرورت بقا و سلامت آنها افزود: امام حسین (علیه السلام) در زمانه‌ی واقع شده بود که نظام تشریح الهی به عنوان آخرین شریعت، در معرض خطر وارونگی و بلکه نابودی قرار داشت، و چنانچه امام دست به این اقدام در برابر حاکمیت نامشروع زمان خود نمی‌زد اساساً از دین یا اثری باقی نمی‌ماند و یا دین خداوند به عنوان نظام تشریح او کاملاً وارونه و دگرگون می‌شد، و این اتفاق خطر گمراهی بشریت را تا آخر الزمان به دنبال می‌داشت. مسئول نهاد رهبری در دانشگاه تربیت مدرس چهار عامل در جبهه دشمن را موجب صف‌آرایی در مقابل امام حسین (علیه السلام) دانسته و افزود: حقد و کینه قبیله‌ای،

به بیان این نکته پرداختند که در کربلا سه دسته از انسانها حضور داشتند، دسته اول امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفای آن حضرت بودند که سراسر وجود آنها خدایی بود، دسته دوم نیز در صف یزیدیان و در مقابل امام حسین (علیه السلام) صف‌آرایی کردند که دنیا طلبی، زشتی و بی‌رحمی در آنها موج می‌زد و دسته سوم تماشاچیان بودند که صحنه کربلا را دیدند و در برابر مظلومیت امام سکوت اختیار کردند. ایشان در پایان تأکید کردند: باید مواظب بود تا در روز واقعه در صف تماشاچیان قرار نگرفت. حجت الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس نیز طی سخنانی در شبهای نهم تا یازدهم در این مراسم عزاداری عنوان کرد: بقا و خالص ماندن دین الهی از تحریف، به آن میزان از اهمیت برخوردار است که سزاوار است حتی جان امام نیز فدای آن شود و این کاری بود که امام حسین (علیه السلام) در راستای رسالت الهی خود بر عهده گرفتند. دکتر فلاح رفیع با تفکیک دو نظام تکوین و

همزمان با فرا رسیدن ایام سوگواری سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) امسال نیز همچون سال‌های گذشته مراسم عزاداری با حضور استادان، دانشجویان، کارمندان، و اقشار مختلف مردم در مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام محمدیان، دکتر فلاح رفیع، حسینی خراسانی، غیاث، درانی و آیت الله قرهی پیرامون فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) و تعظیم شعائر عاشورا به سخنرانی پرداختند. حجت الاسلام و المسلمین محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در شب هشتم محرم با اشاره به استمرار حماسه عاشورا در طول تاریخ به فرازمانی و فرامکانی بودن آن اشاره کردند و پس از تبیین و توضیح این موضوع در قرآن و روایات و نیز شواهد تاریخی، افزودند: عاشورا یک خط بود و نه یک نقطه، خطی که همچنان در طول تاریخ ادامه پیدا کرده است. رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در بخش دیگری از سخنان خود

سخنان رهبری موجب تغییر رفتار عربستان شد



حج تمتع امسال بار دیگر شاهد حادثه‌ای خونبار بود. در پی ازدحام جمعیت در منا بالغ بر ۷۰۰۰ نفر از زائران بیت‌الله الحرام جان خود را از دست دادند که متأسفانه تعداد جانب‌باختگان ایرانی این حادثه بالغ بر ۴۶۰ نفر می‌باشد. پیرامون دلایل این حادثه گمانه‌زنی‌های بسیاری شده است. بازتاب این فاجعه دردناک در داخل کشور در خور توجه بود.

از اعلام عزای عمومی توسط مقام معظم رهبری تا عدم همکاری دولت عربستان با ایران و پس از آن واکنش قاطعانه مقام معظم رهبری در سخنرانی ایشان در نوشهر. آنچه که در ادامه می‌آید حاصل نشست با سه نفر از نمایندگان انجمن‌های علمی و تشکل‌های دانشجویی پیرامون این حادثه است. آقایان صادق پناهی نسب مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه، حبیب رضازاده دبیر انجمن علمی علوم سیاسی و علی رفیع زاده دبیر انجمن علمی حقوق در این نشست حضور داشتند. لازم به ذکر است که نماینده انجمن اسلامی مستقل نیز به جلسه دعوت شده بود که در جلسه حضور پیدا نکردند.

چشمه: تحلیل شما از حادثه منا و مدیریت آل سعود در این حادثه چیست؟

پناهی نسب: ببینید عربستان هر ساله میزبان میلیون‌ها نفر مسلمان از سرتاسر دنیا می‌باشد که برای انجام فریضه حج به عربستان در طول تاریخ در حج نشان می‌دهد که عربستان عملکرد مناسبی در مدیریت آن نداشته است. آخرین حادثه تلخ روی داده فاجعه منا می‌باشد که همه جهان اسلام به نوعی درگیر این ماجرا شدند و باید کشورهایی که در این حادثه دخیل هستند واکنش نشان دهند. اما اکثر کسانی که در این حادثه بودند اذعان دارند عامل اصلی، سوءمدیریت آل سعود بوده و شکی در آن نیست. یکی از واکنش‌های ما می‌تواند همین تشکیل کمیته حقیقت یاب باشد که پیرامون دلایل این حادثه و همچنین سوء مدیریت آل سعود در مدیریت حج تحقیق نماید. پیرامون مدیریت حج هم به نظر من از آنجا که مکه و مدینه متعلق به همه ملل اسلامی است باید از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی استفاده کنیم و کشورهای عضو، مدیریت حج را به عهده بگیرند.

رضازاده: حادثه منا یک حادثه استثنایی در تاریخ حج نیست. در سال ۱۹۹۰ نیز حادثه مشابهی با بیش از ۱۴۰۰ کشته رخ داد و البته حادثه دیگر که آخرین آنها ۲۰۰۶ بود. اما این حادثه از نظر تعداد کشته شدگان بسیار بیشتر و بزرگتر از حوادث قبلی بود. این حادثه را باید یک اتفاق بدانیم و نه امری که تعمدی در پس آن وجود دارد. در واقع مشکل بیشتر، رفتارهای دولت عربستان در مقابل با ایران و درخواست‌های به حق ایران است. این رفتارها که بیشتر باید آنها را تحقیرآمیز دانست، تعمدی هستند. باید توجه داشت که خیلی از تحلیل‌هایی که

بعد از این اتفاق صورت می‌گیرد دلالت بر این دارند که عربستان و ترکیه رقیب ما هستند و از دیپلماسی کشور ما احساس خطر کردند؛ دوستانی که می‌گویند عمدی بوده و باید به تقابل با عربستان پرداخت، یعنی وارد بازی‌ای شدن که بیشترین خسارت را برای ما خواهد داشت.

رفیع زاده: چون دوستان به قدر کفایت از بعد سیاسی به مسأله پرداختند، سعی دارم حتی‌المقدور از جهت حقوقی به موضوع بپردازم؛ یک فاجعه‌ای در کشور عربستان اتفاق افتاد و یک مراسمی که بُعد جهانی دارد تلفات و خسارات متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به بار آورد. این اتفاق باعث رنجش خاطر همه جوامع شد و قاعدتاً بدون امکان پیگرد حقوقی هم نیست. راهکارهای حقوقی پیگیری این حادثه را می‌توان از دو بعد داخلی و بین‌المللی بررسی کرد: از بُعد داخلی به دو جهت امکان پیگیری وجود دارد: ۱- پیگرد

رضازاده: در واقع مشکل، رفتارهای دولت عربستان در مقابل با ایران و درخواست‌های به حق ایران است. این رفتارها که بیشتر باید آنها را تحقیرآمیز دانست، تعمدی هستند. باید توجه داشت که خیلی از تحلیل‌هایی که بعد از این اتفاق صورت می‌گیرد دلالت بر این دارند که عربستان و ترکیه رقیب ما هستند و احساس خطر کردند؛ دوستانی که می‌گویند عمدی بوده و باید به تقابل با عربستان پرداخت، وارد بازی‌ای شدن که بیشترین خسارت را برای ما خواهد داشت.

حقوقی و مدنی. ۲- پیگرد کیفری. در این حادثه تعداد زیادی افراد جان خود را از دست دادند یا مجروحیت برایشان حاصل شده و همچنین خساراتی هم پس از این ماجرا حاصل شده است که این اتفاقات از سه حال خارج نیست یا عمدی است یا در اثر قصور اتفاق افتاده و یا حادثه غیرقابل پیش‌بینی بوده و تقصیری متوجه دولت آل سعود نبوده است. اگر مسأله مطابق مورد سوم باشد چندان جای بحث نیست هر چند در این مورد هم مطابق قاعده فقهی «لایبطل دم امرء مسلم»، دولت عربستان باید دیه کشته شدگان را از بیت المال بپردازد. در دو حالت دیگر حادثه مستلزم برخورد شدیدتری است. اگر این حادثه عمدی باشد که برخورد‌های کیفری خودش را دارد و مجازات‌ها تا حد قصاص امکان‌پذیر است. اولین کشوری که می‌تواند این حادثه را پیگیری کند، کشور محل وقوع حادثه، عربستان است. باید در این کشور دادگاهی

تشکیل شود و تمام اتفاقات مورد رسیدگی حقوقی قرار گیرد. ایران می‌تواند از طرف سفارت خود در عربستان، به نمایندگی از اتباع ایرانی که آسیب دیده‌اند، دعوایی در دادگاه عربستان طرح و پیگیری کند. اصل ماجرای ازدحام جمعیت و وقوع حادثه یک مسأله است و اتفاقاتی که بعد از آن رخ داده و نحوه مواجهه عربستان با کشورهای متبوع جان‌باختگان و چگونگی مدیریت بحران این اتفاق، مسئله‌ی دیگری است. عدم اذن ورود به مقامات کشورهای دیگر از جمله ایران جهت پیگیری مسأله، رعایت نکردن کرامت‌انسانی آسیب‌دیدگان و هتک حرمت جنازه‌های جان‌باختگان از جمله قصورهای بعدی دولت عربستان بود که قابل پیگرد هست.

چشمه: شما مدل رفتاری دولت در قبال این حادثه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رضازاده: اگر حادثه عمد باشد، وارد بحث تقابل می‌شویم؛ باید برگردیم در پس این حادثه عربستان چه هدف خاص و نهانی دارد. بیشترین تلفات در این حادثه مختص ایران است؛ لذا هدف عربستان تقابل با جهان اسلام نخواهد بود، اما تقابل با ایران را می‌توان متصور بود و تحلیل‌هایی که شده در نوع برخورد آنها پس از اتفاق منا می‌باشد؛ که اگر هم سوءمدیریت نباشد، تحقیر جمهوری اسلامی است. نوع برخورد ایران با قضیه باید چطور باشد؟ اگر وارد بازی عربستان شود اشتباه است؛ عربستان را می‌خواهد؛ که همان پروژه‌ی ایران‌هراسی است که با عنوان مدیریت مجموعه کشورهای عرب مقابل ایران به موفقیت برسند. در کل این نوع بدبینی بین این دو کشور سابقه‌ای دیرینه دارند که طی ۴۰ و ۵۰ سال گذشته رقیب همدیگر هستند. در دوران رژیم پهلوی چون متحد آمریکا بودند رقابتشان چندان نمودی نداشت؛ اما بعد از انقلاب اسلامی با ایجاد یک حکومت دینی دایه‌دار برای کشورهای اسلامی دیگر به رهبری ایران، به تقابل مستقیم با عربستان کشیده می‌شود. حالا چرا در این مقطع زمانی رقابت بین ایران و عربستان شدت می‌یابد؛ چون که ایران توانسته است طی مذاکراتی، بحث ایران‌هراسی را که پروژه‌ی غرب و برخی از کشورهای منطقه‌ای بود را متوقف کند. حدوداً ۲۰ کشور مسلمان دیگر هم اتباعشان زخمی و کشته شدند و فقط ایران بوده که اعتراضی جدی کرد و کشورهای دیگر واکنشی نشان ندادند. عربستان می‌داند بعضی از کشورها به خاطر مشکلات مالی و هر چیز دیگری وام‌دار او هستند و در این مقطع زمانی بسیاری از

کشورها با ما و حق ما، همراهی نکردند. آیا کشورهای اسلامی دیگر از این پیشنهاد که مدیریت حج به جامعه اسلامی واگذار شود حمایت می‌کنند؟ به نظر باید به دنبال راهکارهای دیگر باشیم.

پناهی نسب: بعد از این حادثه در کشور ما شاهد دو گونه رفتار هستیم. یک نگاه نگاه حاکمیت بود که مقام معظم رهبری در نوشهر آن موضع قاطعانه در مقابل آل سعود گرفتند و این صحبت‌ها علاوه بر اینکه تسکینی بر دل عزاداران بود به عنوان نگاه قاطع جمهوری اسلامی به این فاجعه قلمداد شد و رفتار دولتمردان آل سعود قبل و بعد از این سخنان با ما کاملاً فرق کرد. نگاه دیگر رفتاری بود که دستگاه دیپلماسی از خود نشان داد؛ که متأسفانه با تبسمی بر آلام مردم همراه بود. ببینید قبل از سفر آقای روحانی به نیویورک مشاور فرهنگی ایشان از طرف رئیس دستگاه دیپلماسی در نیویورک حادثه‌ی منا را به رئیس جمهور

پناهی نسب: بعد از این حادثه در کشور ما شاهد دو گونه رفتار هستیم. یک نگاه، نگاه حاکمیت بود که مقام معظم رهبری در نوشهر آن موضع قاطعانه در مقابل آل سعود گرفتند و این صحبت‌ها علاوه بر اینکه تسکینی بر دل عزاداران بود به عنوان نگاه قاطع جمهوری اسلامی به این فاجعه قلمداد شد و رفتار دولتمردان آل سعود قبل و بعد از این سخنان با ما کاملاً فرق کرد. نگاه دیگر رفتاری بود که دستگاه دیپلماسی از خود نشان داد؛ که متأسفانه با تبسمی بر آلام مردم همراه بود.

گوشزد کردند ولی ایشان سفرشان را ادامه دادند. خب این رفتار به نظر به جا نیست. شما می‌بیند که رئیس جمهور ترکیه بعد از گروگانگیری دادستان استانبول سفرش به رومانی را لغو کردند و یا همین چند وقت پیش پادشاه اردن سفر خود به نیویورک را به دلیل کشته شدن خلبان اردنی توسط داعش نیمه تمام گذاشت. در دیدگاه عرف دیپلماتیک، نرفتن و بازگشت روحانی توهمین نبود اتفاقاً برگشت ایشان نوعی اعتراض بود و یک نوع ارج نهادن و احترام به شهروندانی که نسبت به آنها مسئولیت دارد. رئیس دستگاه دیپلماسی می‌توانستند برگردند و به واقعه سروسامان بدهند اما اتفاق نیفتاد. این دیپلماسی لبخند جواب نداد. از آن طرف می‌بینیم آقای علی جنتی مسئولیت رسیدگی به این واقعه را داشتند اما به ایشان ویزا ندادند و همچنین آقای هاشمی وزیر بهداشت، به عنوان پزشک از قطر وارد عربستان شدند و این با رایزنی‌های کویت

بود که رئیس دستگاه دیپلماسی با متوسل شدن به امیر کویت در نیویورک باعث شد ویزا صادر شود گرچه بازهم خیلی هم طول کشید. دوستان ما باید تا چه زمانی نسبت به این سیاست‌ها واکنشی نشان ندهیم؟ دستگاه دیپلماسی ما در اینجا کرنش نشان داد. بعد از فاجعه منا ما به جای اینکه جهان را علیه عربستان متحد کنیم سکوت کردیم و این عربستان بود که میدان‌داری کرد تا زمانی که مقام معظم رهبری آن اخطار را به آل سعود دادند و به اذعان تمام کارشناسان داخلی و خارجی این سخنان به موقع و به جا و بهترین نحو ایراد شد. بحث ما این است که دولتی که با شعارهایی همچون دیپلماسی با جهان و عزت به پاسپورت ایرانی رای آورده است چگونه به دو وزیرش اجازه بررسی میدانی از حادثه نمی‌دهند و وزیرایشان صادر نمی‌کنند؟

رفیع زاده: از جهت بین‌المللی شهروندی که وارد کشوری می‌شود، حفظ جان، کرامت و حیثیت آن به عهده دولت میزبان است. از طرف دیگر یک عهدنامه‌ای دو جانبه نیز بین ایران و عربستان وجود دارد. ما مواد ۳۶ و ۳۷ کنوانسیون وین را داریم که دولت فرستنده اتباع باید با اتباع خودش در کشور میزبان ارتباط داشته باشد اما عربستان این ارتباط را حداقل برای ایران قطع کرد و ارتباط مسئولین با اتباع کشور ما که در عربستان حادثه دیده بودند را فراهم نکرد. همچنین طبق این ماده هرگونه توقیف، زندانی یا بازداشت اتباع دولت فرستنده باید بدون تأخیر و بنابر تقاضای ذی‌نفع به اطلاع پست کنسولی دولت فرستنده برسد. ماده ۳۷ کنوانسیون نیز تصریح می‌کند هرگاه دولت پذیرنده اطلاعاتی را در رابطه با فوت اتباع دولت فرستنده در دست داشته باشد، باید مراتب را بدون تأخیر به اطلاع پست کنسولی دولت فرستنده برساند؛ این در حالی است که سفارت ما در عربستان اجازه دسترسی به افراد را نداشتند. علاوه بر اینها یک عهدنامه مودت هست که در سال ۱۳۰۸ بین ایران و عربستان منعقد شد مبنی بر اینکه دولت عربستان باید در ادای مراسم حج پیش بینی امکانات لازم را داشته باشد و جان اتباع ایرانی را تامین کند اما این اتفاقات نیفتاده و به شکل

شدیدی این قواعد و مقررات نقض شده است. سوء مدیریت عربستان باعث جان باختن بسیاری از حجاج شد علاوه بر اینکه بعد از حادثه این رفتار ادامه پیدا کرده و پس از حادثه رفتار عربستان شدیدتر و وقیح‌تر از خود حادثه بوده است. ماده ۳ عهدنامه مودت مصوب ۱۳۰۸ میان ایران و عربستان ناظر بر این موضوع است که مقرر می‌دارد: عربستان متعهد می‌گردد نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیت الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار نموده و اجازه ندهد که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آن‌ها هیچگونه مشکلی ایجاد شود. وقتی حقوق از حقوق داخلی به حقوق بین‌الملل تغییر پیدا می‌کند، عنصر دیگری به اسم سیاست ورود می‌کند و در بسیاری موارد قواعد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بسته به مناسبات کشورها و شرایط سیاسی زمان و مکان، توانایی

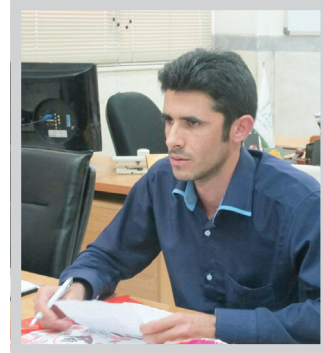
کشورها برای پیگیری مسائل حقوقی و موفقیت در آن متفاوت می‌شود و متأسفانه این مسأله بر توانایی کشور ما در پیگیری حادثه منا از باب حقوق بین‌الملل، سایه می‌اندازد. در پاسخ به سوال شما به هر حال چون در این نقطه سیاست و حقوق به هم پیوند می‌خورد، ایجاب می‌کند که بنده در اینجا به این حوزه ورود کنم و حاشیه‌ای بر دو نکته که دوستان فرمودند بزنم:

اول- گفته شد مدیریت حج به مجموع کشورهای اسلامی سپرده شود؛ اگر امکان این کار فراهم شود برای کشور مثل ایران مقبول است اما قطعاً هیچ کشوری حاضر نیست که حاکمیت ملی اقتدارش مورد خدشه واقع شود و عربستان هم از این قاعده مستثنا نیست. این که کشور دیگری در مراسمی که در کشور عربستان برگزار می‌شود دخالت کند، از جمعیت سیاسی این پیام را دارد که کشور میزبان توانایی اداره کشورش را ندارد و علی‌القاعده هیچ کشوری حاضر به این کار نیست. فرض کنید چنین حادثه‌ای در ایران اتفاق می‌افتد (البته مدیریت ایران با عربستان متفاوت است و انتظار وقوع حادثه‌ای با این شدت در ایران نمی‌رود)، آیا ایران حاضر می‌شد به این دلیل در اداره کشور خود دیگران را هم سهیم کند؟

نکته دوم- گفته شد که موضع رهبری در این رابطه تأثیر گذار بوده است. بنده صد در صد با این صحبت موافق هستم. این موضع با اقتدار و در عین حال با رعایت ادب و عرف دیپلماتیک اتخاذ شد که موجب تغییر رویه نسبی دولت عربستان شد و قطعاً موجب عزت کشور نیز بوده است.

نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت است آن که؛ تشدید تنش‌ها در یکی دو سال اخیر بین ایران و عربستان، نتیجه بهبود روابط ایران با کشورهای غربی و تنش‌زدایی با آنهاست. عربستان، از بهبود روابط ایران و غرب، خود را متضرر می‌بیند. از طرفی تغییرات سیاسی در عربستان و به روی کار آمدن سیاستمداران جدید و به تعبیر رهبری، جوان و غیر عاقل این کشور نیز در مواضع اخیر آنها نسبت به ایران بی‌تأثیر نبوده است. بنابراین نمی‌توان در این تغییر رفتار دیپلماسی فعلی دولت ایران را مقصر دانست. برای تعیین نوع و کیفیت واکنش دولت در قبال حادثه منا باید تناسب آن واکنش با دیپلماسی کلی دولت در سیاست خارجه و تأثیرات آن واکنش بر افق کلی دولت در روابط با دنیا را مورد ملاحظه قرار داد. دیپلماسی یک کشور در قبال مسائل برون مرزی منحصر به واکنش وزارت امور خارجه نیست؛ بلکه مجموع رفتارهای حاکمیت را شامل می‌شود. بنابراین نباید واکنش رهبری نظام را از واکنش دولت تفکیک کرد و این دورا باید با هم دید.

رضازاده: در سال ۶۶ که حاجیان ایرانی توسط آل سعود کشته شدند واکنش امام این بود که: «اگر ما روزی از آمریکا بگذریم از آل سعود نمی‌گذریم» باید به دستگاه دیپلماسی کشور در سال ۶۶ خرده بگیریم که چرا واکنش سختی نداشت؟ اینها همه در کنار هم بودند. در دستگاه دیپلماسی یکسری معذوراتی هست که نهادهای دیگر ندارند. آقای روحانی برنگشتند و من به ایشان حق می‌دهم چرا؟ چون فرد اول کشور همچنان داخل کشور است و سفر ایشان به نیویورک اولین سفر بعد از توافق هسته‌ای بود. یکی از جبهه‌های جنگ ایران



پناهی نسب: دولت که

شعارش تعامل با جهان است و در این چند سالی که بر سر کار بود مذاکرات مختلفی با دولت‌های غربی داشته چرا نتوانسته کاری کند که در ارتباط با همین حادثه منا آمریکا موضعی علیه عربستان به نفع ایران داشته باشد. فایبوس در دیداری که اخیراً با وزیر خارجه عربستان داشته ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه دانسته است. دوستان لطف کنند بگویند پس نتیجه این دیپلماسی لبخند چیست؟ فقط دشمنی عربستان با ما خروجی این دیپلماسی است؟

و عربستان سازمان ملل است و اصلاً جالب نیست که فردی آن جبهه را خالی کند. شما انتظار دارید دیپلماسی ایران در مواجهه با عربستان، چیزی متفاوت از کل دیپلماسی این دولت باشد؟ دولتی که با شعار مذاکره رأی آورده و سکان‌دار سیاست خارجی شده و در مقابل کشورهای مختلف می‌تواند سیاست‌های متفاوتی هم داشته باشد و در مواجهه با عربستان نخواست وارد بازی عربستان شود. برای حادثه‌ی منا شما می‌خواهید کل ساختار نظام بین‌الملل را به تعلیق وادارید. بحث اینجاست که بعد از مذاکرات و به نتیجه رسیدنش، فاصله عربستان از آمریکا بیشتر شده و به روسیه نزدیک شده است.

پناهی نسب: اما عربستان بعد از حمله روسیه به داعش در سوریه موضع‌گیری خیلی بدی نسبت به روسیه داشت. **رضازاده:** عربستان و روسیه سر موضوع سوریه با هم مشکل دارند. هر زمان رابطه ایران و غرب بهبود می‌یابد، عربستان برای تحت فشار قراردادن غرب به روسیه نزدیک می‌شود. در پاسخ به آقای پناهی باید بگویم شما نمی‌توانید از سازمان ملل تقاضای خارج از قوانین آنها داشته باشید. بنظرم همین دیپلماسی و مذاکره درست است؛ وزارت امور خارجه نمی‌تواند نقش نیروی نظامی را بازی کند. دولت اگر فقط بتواند همان مذاکرات هسته‌ای را به نتیجه برساند به هدفش رسیده است؛ یکی از اهداف جمهوری اسلامی در منطقه پیش افتادن از رقبای منطقه‌ایش است و این ابزار موثری خواهد بود که ۲ سال بعد نتیجه‌ی آن مشخص می‌شود. ما با ساختارهای بین‌المللی دچار تضاد بیشتری با عربستان هستیم و از این جهت عقب هستیم. عربستان به راحتی چند هزار نفر را به کشتن می‌دهد اما واکنش سازمان بین‌الملل و کشورهای جهانی به این حادثه چیست؟ اگر ۵۰ توریست در ایران دچار حادثه شده و کشته شوند چه اتفاقی می‌افتد؟ کشوری که



رضازاده: حل مذاکرات

هسته‌ای به این معنا نیست که ما جایگزین بقیه‌ی متحدین آمریکا در منطقه شده‌ایم. اتفاقاً حل و سرانجام بحث هسته‌ای، مشکلات منطقه‌ای ما با کشورهایی که نمونه‌اش همین فاجعه‌ی منا است. فحاشی نشانه‌ی قدرت نیست بلکه نشانه‌ی ضعف است؛ چون شما هیچ کنش دیگری نمی‌توانید داشته باشید. عربستان با آن تحقیری که بعد از حادثه در مواجهه به ایران و مسئولین ایرانی انجام می‌دهد؛ در واقع دارد دست و پا می‌زند و می‌خواهد ایران را به کنش متقابل و خشن وادار کند.

مستقل است (به حق و ناحق بودنش کاری ندارم) و حاکمیت داخلی دارد می‌تواند حتی به رئیس جمهور کشور دیگری هم اجازه ورود ندهد؛ حالا باید دولت چه واکنشی داشته باشد؟

رفیع زاده: صرف نظر از اینکه با مسئله‌ی هسته‌ای موافق باشیم یا مخالف، این سیاست ابتدایی دولت بود که مورد حمایت مردم و رهبری هم واقع شد، که نوع تصویب برجام این حمایت را تأیید می‌کند. برجامی که حاصل شده با همین کیفیت فعلی، نتیجه نوع تعامل و دیپلماسی دولت بوده است.

رضازاده: شما دو گفتمان را از دو منبع و منشأ مختلف کنار هم می‌گذارید و مقایسه می‌کنید. گفتمان آقای ظریف و سیاست خارجی براساس قواعد بین‌الملل است و پُر تکلهای بین‌المللی است؛ اما گفتمان رهبری دقیقاً برآمده از فقه‌اسلامی است و بخاطر همین وقتی ظریف می‌گوید ما در یک کشتی هستیم، هیچ منافاتی با گفتمان رهبری ندارد.

پناهی نسب: دولت که شعارش تعامل با جهان است و در این چند سالی که بر سر کار بود مذاکرات مختلفی با دولت‌های غربی داشته چرا نتوانسته کاری کند که در ارتباط با همین حادثه منا آمریکا در رُست حقوق بشری هم که شده موضعی علیه عربستان داشته باشد. فایبوس در دیداری که اخیراً با وزیر خارجه عربستان داشته ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه دانسته است. دوستان لطف کنند بگویند پس نتیجه این دیپلماسی لبخند چیست؟ فقط دشمنی عربستان با ما خروجی این دیپلماسی است؟



رفیع زاده: موضع رهبری

در نوشهر با اقتدار و در عین حال با رعایت ادب و عرف دیپلماتیک اتخاذ شد که موجب تغییر رویه نسبی دولت عربستان شد و قطعاً موجب عزت کشور نیز بوده است. نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت است آن که؛ تشدید تنش‌ها در یکی دو سال اخیر بین ایران و عربستان، نتیجه بهبود روابط ایران با کشورهای غربی و تنش‌زدایی با آنهاست. دولت عربستان، از بهبود روابط ایران و غرب، خود را متضرر می‌بیند. از طرفی تغییرات سیاسی در عربستان و به روی کار آمدن سیاستمداران جدید و به تعبیر رهبری، جوان و غیر عاقل در این کشور نیز در مواضع اخیر آنها نسبت به ایران بی‌تأثیر نبوده است.

حال عربستان ساختار سیاسی دموکراتیکی هم ندارد و دولت مسئولیت‌پذیر و معقولی نیست. شاید اگر بروز این حادثه در زمان دولت سابق هم بود؛ مسئولیت‌پذیری بیشتری از عربستان نمی‌دیدیم.

پناهی نسب: می‌گویید موضع مجموع را باید در نظر بگیریم. آقای ظریف در تاریخ ۹۴/۲/۲۷ در مصاحبه با روزنامه کویت گفتند: به دنبال توسعه‌ی دولتی با عربستان هستیم، سوار بر کشتی هستیم و اگر غرق شویم باهم غرق می‌شویم. این به نظر شما منافاتی با سخنان رهبری ندارد؟

رضازاده: شما دو گفتمان را از دو منبع و منشأ مختلف کنار هم می‌گذارید و مقایسه می‌کنید. گفتمان آقای ظریف و سیاست خارجی براساس قواعد بین‌الملل است و پُر تکلهای بین‌المللی است؛ اما گفتمان رهبری دقیقاً برآمده از فقه‌اسلامی است و بخاطر همین وقتی ظریف می‌گوید ما در یک کشتی هستیم، هیچ منافاتی با گفتمان رهبری ندارد.

پناهی نسب: دولت که شعارش تعامل با جهان است و در این چند سالی که بر سر کار بود مذاکرات مختلفی با دولت‌های غربی داشته چرا نتوانسته کاری کند که در ارتباط با همین حادثه منا آمریکا در رُست حقوق بشری هم که شده موضعی علیه عربستان داشته باشد. فایبوس در دیداری که اخیراً با وزیر خارجه عربستان داشته ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه دانسته است. دوستان لطف کنند بگویند پس نتیجه این دیپلماسی لبخند چیست؟ فقط دشمنی عربستان با ما خروجی این دیپلماسی است؟

رفیع زاده: منطق درستی نیست. بنا نیست که با توافق هسته‌ای، منظومه سیاست خارجی دو دولت ایران و آمریکا تغییر کند و آمریکا متحدان منطقه‌ای خودش را به کلی کنار بگذارد. مگر با توافق هسته‌ای افق کلی سیاست خارجی ایران تغییر کرده و ما دست از حمایت سوریه و حزب الله برداشته‌ایم؟! به هر

پناهی نسب: من نمی‌گویم کامل حمایتش را بردارد حداقل می‌توانست در رُست حقوق بشری هم که شده به نفع به ما موضع‌گیری کند. خیلی از سیاسیون اصلاح‌طلب بر این باورند که با حل و فصل مذاکرات هسته‌ای ایران جایگزین عربستان در منطقه می‌شود. **رضازاده:** آمریکا با ما یک مشکلش را تا حدودی حل کرده است و این اصلاً به این معنا نیست که ما جایگزین بقیه‌ی متحدین آمریکا در منطقه شده‌ایم. اتفاقاً حل و سرانجام بحث هسته‌ای، مشکلات منطقه‌ای ما با کشورهایی که رقیب هستند حادث می‌شود. نمونه‌اش همین فاجعه‌ی مناسبت است. دقت کنید رفتار بعد از این اتفاق را ببینید که اگر این مذاکرات نبود، کنش عربستان متفاوت از این بود. فحاشی نشانه‌ی قدرت نیست بلکه نشانه‌ی ضعف است؛ چون شما هیچ کنش دیگری نمی‌توانید داشته باشید. عربستان با آن تحقیری که بعد از حادثه در مواجهه به ایران و مسئولین ایرانی انجام می‌دهد؛ در واقع دارد دست و پا می‌زند و می‌خواهد ایران را به کنش متقابل و خشن وادار کند.

پناهی نسب: آقای رضازاده شما می‌گویید تنش ایران با عربستان نتیجه‌ی مذاکرات هسته‌ای است؟

رضازاده: تشدید تنش بین عربستان و ایران نتیجه‌ی نوع مواجهه عربستان با توافق هسته‌ای است.

پناهی نسب: اما از سال ۶۶ تا ۸۴ ایران از طریق عربستان مورد توهین واقع شده و این از قبل بوده است.

رفیع زاده: تنش‌ها بین روابط ایران و عربستان کمی نسبت به دوران آقای احمدی‌نژاد تشدید شده و این نتیجه اندک بهبودی نسبی روابط ایران با غرب است. به هر حال حادثه اتفاق افتاده و مهم مسئولیت‌پذیری پس از آن است که دولت عربستان رفتاری معقول، دموکراتیک و مطابق عرف جامعه بین‌الملل ندارد. بخشی از این رفتار نادرست مربوط به اساس این حکومت است که غیردموکراتیک است و بخشی دیگر نتیجه تغییراتی است که در این ۲سال اتفاق افتاده است. به هر حال راهکارهای حقوقی موجود برای بررسی مسأله ذکر شد. راهکارهای سیاسی مربوطه هم در دسترس است. آنچه مهم است آن که حادثه فحاشی که اتفاق افتاده است نباید فراموش شود و بی‌پاسخ بماند؛ از طرف دیگر باید مواظب بود که پاسخ‌ها از حالت معقول خارج نشده و منافع ملی را به خطر نیندازد.

رضازاده: در حادثه‌ی منا و اتفاقات بعد از آن، ما شاهد یک رفتار کاملاً غیرمسئولانه از جانب دولت عربستان هستیم و در مواجهه با این حادثه، نمی‌توانیم خیلی از مسائل منطقه‌ای، جهانی و داخلی را فراموش کرده و در صدد پاسخگویی به این مسائل باشیم و تا الان کنش دستگاه دیپلماسی را مناسب می‌دانم.

پناهی نسب: اگر هم‌اکنون به عربستان پاسخ قطعی ندهیم در سالهای آتی باید منتظر حوادث بدتر از منا هم باشیم. باید نسبت به تحقیری که عربستان نسبت به ما داشته با پاسخی قاطع برخورد شود و نمی‌توانیم فقط کاردار عربستان را به وزارت خارجه احضار کنیم و باید واکنشی نشان دهیم که که حداقل مرهمی باشد بر زخم جانباختگان این فاجعه که مردم ما بدانند که چقدر نظام اسلامی در قبال آنها مسئولیت‌پذیر هستند.

فمینیسم در چالش با اسلام

دخترانه



مهديه محمدتقی زاده

مدیر مسئول نشریه خانواده پژوهی
دانشگاه تربیت مدرس

سرشت فمینیسم، تضاد با «دین» و «ستیز با احکام شریعت» را در بطن خود دارد. مسیحیت غرب در رویارویی با فمینیسم، دوران ستیز زناشناس، حاکمیت بورژوازی، مذهب سرمایه داری را پشت سر نهاده بود.

«بشرمداری»، «فرد» را جایگزین «خداوندگار مسیح» کرده و «عقلانیت فردی» در آیین کلیسا را به مصاف طلبیده بود.

چالش نهادین فمینیسم با احکام وحی، در نوع افراطی، به ستیز با پروردگار و اراده او در «آفرینش» می انجامد. بدیهی است «اسلام» به عنوان مکتب تکاملی، مورد هجوم و دشمنی های بیش از پیش این نگرش خودکامه باشد.

اسلام دینی کامل است و بر همین اساس اعتقادات، محوری ترین و اساسی ترین شالوده آن را تشکیل می دهد. جهان بینی خاصی که هر دینی و از جمله اسلام از خود ارائه می دهد جهت دهنده و سمت و سو دهنده به احکام عبادی و معامله ای آن دین می باشد.

اما فمینیسم التزام خاصی بین متعبد شدن و احقاق حقوق زنان نمی یابد و می توان گفت در همه مسائل عقیدتی، موضع جدی و آشکاری نداشته و نمی توان موضع سلبی و یا

ایجابی بدان نسبت

داد. البته در میان گروه های فمینیستی آراء و عقایدی مطرح می شود که به هیچ وجه در قالب دینی و مذهبی قابل طرح نمی باشند، همانند حق داشتن فرزند از مرد دلخواه یا به رسمیت شناختن همجنس گرایی که

با هیچ کدام از ادیان الهی سازگار نیست و نیز حق سقط جنین که از معدود مواردی به شمار می رود که کلیسای واتیکان حاضر به انعطاف و پذیرش آن نیست.

گرچه اسلام و فمینیسم را کاملاً نمی توان بدون زمینه مشترک دانست، اما اصول و ارزشهای آن ها بکلی با یکدیگر متضادند؛ هر دو ظلم به زنان را تقبیح می کنند و بر این نکته تأکید دارند که زنان صاحب اموال دلخواه به کار ببرند، همچنین آن ها را به دلخواه به کار ببرند، همچنین در زمینه الهیات هر دو نماد «پدر» را برای خدا مردود می دانند.

چالش فمینیسم با اسلام در محورهای ذیل است:

الف) اصول و مبانی فکری که در نصوص قرآن کریم تجلی دارد.

ب) احکام حقوقی و فقهی که برنامهای شدن نص قرآن مجید براساس سنت و عقل و اجماع است.

ج) ناسازگاری اسلام با ارزشها و

نگرش غرب.

این محورها، علل عدم پذیرش گسترده فمینیسم و بطور کلی اومانیسم از سوی امت اسلامی است:

الف) تمدن اسلامی برخاسته از نگاه مبنایی اسلام است و این مهم پژوهشگران را در پژوهش تمدنی، به دقت خاصی نسبت به مکتب اسلام، وادار نموده است. برجستگی تمدن اسلامی به مبانی قرآنی و احکام شریعت بازمی گردد که در رأس آن، تساوی نگرایی به انسان را در مسیر

الهی الله و «خلیفه

اللهی» متجلی می کند. به طور کلی خطاب های قرآن کریم به «انسان»، ندای عمومی دارد و ظاهر الفاظ و کلمات از دیدگاه صاحبان اندیشه دینی تفریق پذیر نیست. مؤمنان اعم از مرد و زن در زندگی هدفمند، به «دنیا» نه

به مثابه «غایت هستی» که معبری جهت رسیدن به کمال مطلوب می نگردند.

ب) مادی گرایان و منتقدان مغرض در ترویج فمینیسم بیش از «مبانی و اصول»، احکام شریعت و فقه اسلامی را مورد تهاجم قرار می دهند. این حملات ناشی از «قابلهای مشخصی» است که این گروه برای «مفاهیم» و «مصادقها» از معرفت شناسی غرب به عاریه گرفته اند. ذکر این نکته مهم جلوه می نماید:

حقوق و ضوابطی که برای موارد مختلف در فقه اسلامی تدوین شده است، از زاویه فلسفه احکام پاسخگوی تمامی ایرادها، شبهه ها و حتی تعرضات است. اساسی ترین پیامدهای اعتقادی فمینیسم که تأثیر گذاری زیادی نیز داشته، در مقوله زن و احکام و حقوق مربوط به او بوده است که شاید مهم ترین حملات فمینیست ها و حتی دیگر شاخه های تفکرات الحادی علیه اسلام، از این زاویه صورت می گیرد. در مسائلی چون «حجاب»، «تعدد زوجات»، «تأکید

بر ازدواج»، «قیمومت پدر برای دختران» و «تبعیت زن از شوهر» بارزهای بیشتر دارد. اساساً هر نوع «حفظ حریم» و «تحدیدهای اخلاقی» با اعتراض و پرخاشگری تئوری و عملی فمینیسم ها روبرو شده و خواهد شد. به عنوان مثال اگر ممنوعیت مسیحیت در مسئله ازدواج، نوعی تعارض با آزادی زن و حق ارضای غرایز او دارد، تأکید بر ازدواج در اسلام نیز، بنابر اجبار زنان به تحمل وظایف زناشویی و حفظ خانواده و... مورد تعرض قرار می گیرد.

ج) تمدن اسلامی در معرفت شناسی حقیقی، به دوران رسالت و حکومت پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان (ع) محدود می شود. در چنین ساحتی پیاده شدن احکام الهی در راه ساختن جامعه اسلامی و انسانهای متعالی، مبانی و

چارچوب تمدنی است: «زن» در این تمدن ساحتی الهی دارد و رفتار معصوم (ع) گواه این مدعا است. ویل دورانت می نویسد:

«وقتی زنان به مسجد می رفتند، اگر کودکان خود را همراه داشتند، پیامبر (ص) نسبت به آن ها رفتاری نیکو داشت. بنابر روایت وقتی در اثنای نماز، صدای گریه کودکی را می شنید، خطبه را کوتاه می کرد تا مادر طفل از طول آن به زحمت نیفتد.» حضور، گفتگو، فعالیت و... نحوه ای از دیدگاه پویا و رشد یابنده را در ارتباط مستقیم با پیامبر اکرم (ص)، امیر مومنان (ع) و دیگر معصومین می نماید و نیز شخصیت هایی والا همچون خدیجه کبری و زینب (س) استثنااتی هستند که هیچ تمدنی در عرصه های مختلف حرکتی، نمونه های آنرا نداشته است. اما واقعیتی که فمینیست ها در جهان اسلام یا بدان توجه ندارند و یا به دلایل هدفمند سیاسی، مجبور به تغافل هستند آن است



که ساختار تفکر، ارزشها و قالب های غربی در بنیاد با ادیان الهی، به ویژه مکتب متعالی اسلام در تضاد است. سازگار کردن اسلام با مبانی و اصول و ارزشهای غربی، تلاشی نافرجام است.

بنابر آنچه گذشت «تساوی و برابری»، «آزادی»، «فردگرایی»، «اصالت سود» که در مکتب «بشرانگاران» غرب ملاک های احکام و شریعت اومانیسم هستند، در رویارویی با اسلام، چالش های عمیقی خواهند داشت که از آن جمله «تفاوت های ماهوی زن و مرد»

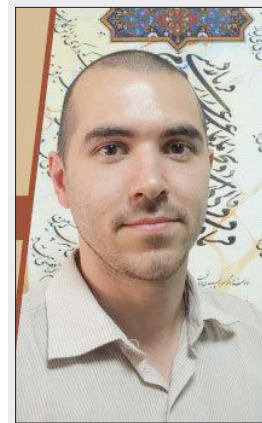
است که مبانی احکام فقهی و حقوق متفاوت آن دو در عرصه های گوناگون گردیده است. فمینیسم به دلایل و علت هایی که در سه محور با اسلام چالش دارد، از سوی جامعه های اسلامی با برخورد منفی مواجه شده و می شود. این امر، فراگیری و شمول

فمینیسم را در میان ملت های مسلمان معنا می دهد و به هیچ وجه راهبران، حامیان و مأمورانی که ورود، نفوذ و نشر و ترویج این دیدگاه را به عهده دارند، مد نظر قرار نمی دهد.

به عبارت دیگر محورهای سه گانه «اصول و مبانی»، «احکام فقه» و «تمدن درخشان اسلام» موانع جدی رشد و گسترش فمینیسم در جهان اسلام می باشند.

گرچه فمینیسم به عنوان شاخه ای از تفکر غرب، همراه با دیگر شاخه ها رو به افول است و به تعبیری روشن به بن بست رسیده است، اما با کمال تأسف از سوی دارندگان اغراض سیاسی، در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است. ایران اسلامی در برهه های مختلف، به ویژه برهه کنونی، شاهد تنش های فکری و معضلات کاربردی برخاسته از ترویج فمینیسم است که در قابلهای «سکولار» و «اسلامی» مسیر هدفمندی را پی گرفته است.

دانشجوی دانشگاه در جمع بهترین های قرآنی



دانشجوی دانشگاه سراسری جشنواره سراسری قرآن و عترت دانشجویان کشور موفق به کسب عنوان دوم در بخش کتبی مسابقات شد.

علیرضا چکشیان در بخش کتبی مسابقات و در رشته آشنایی با احادیث و ادعیه موفق شد عنوان دوم را از آن خود کند. در این رشته دانشجویانی از دانشگاه زنجان و صنعتی شریف به ترتیب عناوین اول و سوم را کسب کردند.

گفتنی است سی امین جشنواره سراسری قرآن و عترت دانشجویان، با حضور بیش از ۴۰۰ دانشجوی برگزیده مسابقات منطقه ای در ۶ بخش با هدف ارتقای سطح فرهنگ قرآنی و اسلامی و اعتلای اخلاق و ایمان دینی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، ایجاد انس و الفت بیش از پیش دانشجویان دانشگاه ها با قرآن و عترت، تقویت و توسعه فضای معنوی و قرآنی در دانشگاه های سراسر کشور، ارج گذاری به فعالیت های قرآن و عترت و تشویق نخبگان دینی و قرآنی دانشگاه ها و شناسایی و معرفی استعداد های برجسته قرآن و عترت دانشجویان به جامعه دانشگاهی، نهم تا یازدهم شهریورماه در تالار مولوی دانشگاه کردستان برگزار شد. رئیس دانشگاه کردستان، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، معاون قرآنی وزیر ارشاد و نماینده ولی فقیه در کردستان از جمله سخنرانان مراسم اختتامیه این مسابقات بوده اند.

تجربیه چشمه کسب این عنوان را به آقای علیرضا چکشیان تبریک می گوید.

هر فردی برای انجام کارهایش در موقعیت‌های مختلف دو مدل است: گاهی در انجام کارهای خود مصمم است و گاهی تنبل. در واقع "تنبلی" چیزی است که اکثر آدمها آن را تجربه کرده‌اند؛ اما برخی افراد به دلایل مختلفی، زمینه رشد این خصوصیت را در خود فراهم کرده، گویی از آن استقبال می‌کنند. واژه "تنبلی" نشان‌دهنده ضعف جسمانی افراد نیست - و شکست دائمی این افراد را به دنبال ندارد - بلکه نشان‌دهنده ضعف در نگرش آنهاست؛ که اگر نگرش خود را نسبت به تنبلی، فعالیت موردنظر، و حتی خودشان تغییر دهند، می‌توانند از این پدیده جلوگیری کنند. آنچه افراد را فریب می‌دهد، موقوف کردن کارها به زمان دیگری مثل "شنبه" است. اما "شنبه موعود" هیچ وقت نمی‌آید، یا اگر هم بیاید، کاری از پیش لدا مراحل زیر برای خلاصی از تنبلی پیشنهاد می‌شود:

اول - نگرش جدید نسبت به خود

این را بدانید که آدم‌های تنبل در همه کارها تنبل نیستند. چه بسا این افراد در کارهای دیگر خود، موفق هم باشند؛ پس لازم است به تمام کارهای خود توجه کرده، و با نگرش مثبت نسبت به خود، به تدریج از تنبلی فاصله بگیریم. بنابراین لازم است در برابر افکار منفی مقاومت کرده و حتی تصور نتوانستن را از خود دور کنیم.

مثبت نسبت به خود، به تدریج از تنبلی فاصله بگیریم. بنابراین لازم است در برابر افکار منفی مقاومت کرده، و حتی تصور نتوانستن را از خود دور کنیم. "این را بدان دست و پا و چشم و گوش و هوش همه در سلامت کامل و آماده باش هستند، تا تو به آنها فرمان بدهی، دستور چیست فرمانده؟" دوم - یافتن ریشه تنبلی

شنبه‌ای در کار نیست!



گاهی اهمال کاری ما بخاطر ترس از عدم موفقیت، یا مواجه شدن با انتقاد و عیب‌جویی دیگران بوده؛ و گاهی ناشی از سردرگمی، بی‌هدفی و بی‌برنامگی است. اما باید توجه کرد هر چه زمان جلوتر رود این حس بزرگتر و بیشتر خواهد شد. یکی دیگر از دلایل تنبلی، کمال‌گرایی بیش از حد است. در واقع وظایف و کارهایی که از خود انتظار داریم، آنقدر بزرگ و دور از ذهن هستند، که ناخودآگاه از انجام آنها فرار می‌کنیم. و تطبیق شرایط با توانایی‌های خود، ما را فردی متعادل خواهد کرد. عامل مهم دیگر وجود افراد حمایت‌گر مثل والدین، معلم و ... است، که سبب بی‌مسئولیتی و فرار از مسئولیت نیز می‌شود.

این را بدانید که آدم‌های تنبل در همه کارها تنبل نیستند.

چه بسا این افراد در کارهای دیگر خود، موفق هم باشند؛ پس لازم است به تمام کارهای خود توجه کرده، و با نگرش مثبت نسبت به خود، به تدریج از تنبلی فاصله بگیریم. بنابراین لازم است در برابر افکار منفی مقاومت کرده و حتی تصور نتوانستن را از خود دور کنیم.

وجود هدف عامل مهمی برای به دست آوردن انگیزه در انجام کارهاست. فوراً باید دست به کار شد و برای خود اهداف ریز و درشت، کوتاه و بلند تعریف کرد. یک برنامه‌ریزی ساده برای زمان‌های مختلف (روزانه، هفتگی، یکساله، پنج و یا

دهساله) کمک شایانی خواهد کرد. "برنامه‌ریزی نکردن برای موفقیت، یعنی برنامه‌ریزی کردن برای شکست" عبارتی عجیب، و در عین حال واقعی است.

چهارم - نقطه شروع

روان‌شناسان در انجام کارهای زیاد می‌گویند: "از کم شروع کن". با این حال اولین قدم تنبل نبودن، خیلی سخت است،

پس باید گام اول را استوار برداشت.

برای شروع می‌توان از کوچکترین و ساده‌ترین کار آغاز کرد. اگر فعالیت موردنظر از نظر حجم و اندازه، کار بزرگی است، می‌توان آن را به اجزای کوچکتر تقسیم کرده، یا برای آنها زمانی کوتاه مشخص نمود (مثلاً ۱۵ دقیقه برای شروع کار). به تعویق انداختن کارها، مانع بسیار بزرگی برای شروع است. به جای گفتن "شنبه، باید گفت "همین الان". پنجم - زمان بر بودن این امر بدیهی است که شروع هر کاری، یکی از زمان برترین موقعیت‌هاست. گاهی مشاهده شده شروع کار برای برخی از افراد از خود

پس باید گام اول را استوار برداشت. برای شروع می‌توان از کوچکترین و ساده‌ترین کار آغاز کرد. اگر فعالیت موردنظر از نظر حجم و اندازه، کار بزرگی است، می‌توان آن را به اجزای کوچکتر تقسیم کرده، یا برای آنها زمانی کوتاه مشخص نمود.

حال اولین قدم تنبل نبودن، خیلی سخت است.

پس باید گام اول را استوار برداشت. برای شروع می‌توان از کوچکترین و ساده‌ترین کار آغاز کرد. اگر فعالیت موردنظر از نظر حجم و اندازه، کار بزرگی است، می‌توان آن را به اجزای کوچکتر تقسیم کرده، یا برای آنها زمانی کوتاه مشخص نمود.

کار سخت‌تر بوده و به اندازه ۱/۳ زمان انجام کار، زمان می‌برد. پذیرش این واقعیت، فرد را با پدیده "طولانی بودن شروع کار" آشنا کرده، وی را در پیشبرد اهدافش کمک خواهد کرد.

همچنین باید توجه داشت که پس از شروع کار، مرحله انجام کار، زمان زیادی می‌طلبد و ما را سریع به مقصود خویش نخواهد رساند.

ششم - عمل طبق برنامه بدون وقفه

برنامه‌ریزی به تنهایی کافی نیست. برای رسیدن به موفقیت باید طبق برنامه (هر چند ناقص) پیش رفت. البته در طول انجام کار می‌توان برنامه را تغییر داد. یکی از برنامه‌ها این است که هر هفته در زمان‌های از قبل تعیین شده، روی موضوع موردنظر کار کنیم، چرا که اگر در خلال کار وقفه‌ای رخ دهد، باعث کند شدن و حتی تکرار مجدد برخی کارها می‌گردد، و با این درج‌زدن‌ها زمان زیادی را از دست خواهیم داد.

زمان در حال گذر است، خواه از آن استفاده کنیم، خواه استفاده نکنیم.

عاشورای ظاهر و عاشورای باطن



تفنگ‌داران عراق و حتی منافقان ما را سوا می‌کند و البته درصدی را نیز صرف عمران کشورش می‌کند. همه این جماعت رجاء واثق دارند که

هستند برای دولت ایالات متحده. سر سال به لطف یا به قهر، مالیات‌شان را به خزانه‌داری می‌پردازند و خزانه‌داری هم سر صبر سهم اسرائیل و

همین فردا که عاشورا باشد (و گفته‌اند البته کل یوم عاشورا) در فیفت اونیو Fifth Ave در قلب منتهن نیویورک پاکستانی‌ها دسته راه می‌اندازند و زنجیر می‌زنند. چنان مراسم پرشوری دارند که نگو و نپرس. همه با لباس‌های بلند محلی و شلوارهای سپید. نه گمان ببری که سنت تازه‌ای است؛ که هر سال روز عاشورا همین برنامه هست. دسته راه می‌افتد و سینه می‌زند و آن‌وای - پی‌دی (New York Police Department) هم با اسب و تفنگ و کلی تشکیلات از این دسته مراقبت می‌کند. همه این جماعت شهروندان مطیعی

اتفاقیه



انجمن‌های علمی در خشدند

دانشگاه تربیت مدرس با کسب ۴ عنوان در جشنواره سراسری حرکت انجمن‌های علمی دانشجویی، برای نخستین بار در جمع سه دانشگاه برتر کشور در حوزه انجمن‌های علمی دانشجویی قرار گرفت.

هشتمین جشنواره ملی حرکت که در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده بود، ۱۹ مهرماه با حضور معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، مدیرکل فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، استاندار خراسان رضوی پایان یافت و برگزیدگان در بخش‌های مختلف معرفی و با اهدای لوح تقدیر، جوایز نقدی و تندیس جشنواره مورد تجلیل قرار گرفتند.

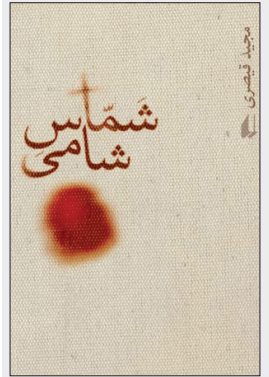
بنابراین گزارش، فصلنامه علمی - تخصصی «خانواده پژوهی» به مدیریت مسئولی خانم «مهديه محمدتقی زاده» و صاحب امتیازی انجمن علمی دانشجویی «مطالعات زنان» به عنوان نشریه برگزیده در حوزه علوم انسانی؛ انجمن علمی دانشجویی «معمار» به دبیری خانم «معصومه امینی» به عنوان انجمن برگزیده در حوزه فعالیت‌های ترویجی؛ کتاب مجموعه چکیده مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی به گردآوری آقای «محمدعلی امینی‌مشهدی» از انجمن علمی دانشجویی «معمار» به عنوان کتاب قابل تقدیر و آقای «رسول رجایی» دبیر انجمن علمی دانشجویی «مهندسی برق - سیستم‌های کنترل» به عنوان دبیر شورای هماهنگی قابل تقدیر در هشتمین جشنواره حرکت، شناخته شدند.

دکتر سیدضیاء هاشمی معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این مراسم بیان داشت: در این دوره از جشنواره ۲۵۰۰ عنوان اثر از ۷۶ مرکز دانشگاهی به دبیرخانه جشنواره رسیده است و این نشان از شور و نشاط جمعیت دانشجویی کشور دارد. **تحریریه چشمه دانشگاه کسب این عنوان را به انجمن‌های علمی دانشجویی برگزیده، تبریک عرض می‌کند.**

انقلاب نفوذی‌ها

خطا خطی

پخوانیم



راوی رومی

شب عجیبی را در دیر یوحنای قدیس گذرانیدیم. شیفتگی سرورم نسبت به کاروان اسرا به حدی بود که پدر آگوست تینوس مجبور شدند به سرورم تذکر بدهند که در شأن ایشان نیست که در مقابل راهبان دیر این گونه اختیار خود را برای دیدن کاروان اسرا از دست بدهند! سرورم گفتند: «مگر این اتفاق کم چیزی است؟». همین جا بر خود لازم میدانم به استحضار حضرت عالی برسانم که نسب سرورم به یکی از نوادگان حضرت داوود نبی می رسد و این مسئله‌ای نبود که همگان از آن مطلع باشند. «حادثه کربلا همیشه موضوع خوبی برای نوشتن بوده است. شاید چون هر چه نوشته‌اند نتوانسته‌اند حق مطلب را ادا کنند. یا شاید چون هر چه بنویسند هم نتوانند حق مطلب را ادا کنند. به هر صورت همیشه می شود از منظری به این ماجرا نگریست. گاهی یک جمله از زبان معصوم یا خاندان معصوم در ظاهر عاشورا کافیت تا یک محرم بسوزی، و یا یک روایت از شاهد عینی کافیت تا بر اساس آن داستان‌هایی نوشته و یا فیلم‌هایی ساخته شود. حادثه عاشورا نکته‌های ناگفته زیادی دارد. اما همانهایی را هم که بسیار گفته‌اند هر بار که می گویند باز تازه‌تر است. شاید چون قطرات خون حسین(ع) خشک شدنی نیست و می چکد تا نهالی که بدست پدرانش کاشته شد را آبیاری کند. و یا شاید این قطرات خون، خونابه‌های چشمان حسین‌اند. خونابه‌هایی که به دنبال کاروان هنوز از چشمان فرمانده جاریست. شمس شامی نوشته مجید قیصری روایت کربلا در شام است. داستانی که از زبان یک خدمتکار رومی نقل می شود.

احمد فرهنگ - کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

عمو سام آن روز اصلاً حالش خوش نبود؛ زیرا آبرو و اعتباری که با هزار فن و تکنیک به دست آورده بود، همه در عرض یک روز به هدر رفت. انقلابیون با حمله به لانه‌ی جاسوسی‌اش، جیک و پیکش را پیش چشم پدر بزرگش آورده بودند. سند و مدرک‌های پاره و جویده شده‌ای که در این عملیات به دست آمد، با مهارت عجیبی به هم متصل شدند و منتشر گردیدند. عمو سام مثل شیر پیری که یال و پشمش ریخته باشد، نای سربلند کردن نداشت. موش‌های وحشی تا توانستند او را دلداری دادند و ابراز همدردی کردند. وجه مشترک عموسام با موش‌های وحشی در این بود که تاکتیک همسانی داشتند. هر دو مهندس نقب بودند و به راه‌های نفوذ زیرزمینی آشنا. چپاول خوراک و پوشاک دیگران زیر دندان‌شان مزه‌ی عجیبی داشت و روز به روز آن‌ها را حریص‌تر می کرد. هنگام خطر، موش دوانی می کردند و از نقب‌های هزار تو بیرون می زدند و خود را به گردن‌های سازمان ملل می رساندند تا نشان دهند که همه‌ی دستاوردهایشان حلال حلال است. بخت برگشته‌ای که اموالش غارت شده بود، به دادگاه صحرایی شورای امنیت احضار و تفهیم اتهام می شد. به زبان خوش به او می گفتند: آیا درست است که اموال و عرض و ناموست بر ما حلال است یا نه؟ اگر می گفت: نه! و مقاومت می کرد؛ چماق مخصوصی داشتند که روی آن نوشته شده بود: حقوق بشر! آن را بالای سرش به دوران در می آوردند و می گفتند: حالا حلال است یا نه؟ اگر پاسخ منفی بود و باز مقاومت می کرد؛ از روش ناتویی بهره می جستند و او را از زمین و هوا مورد حمله قرار می دادند تا سرانجام برای

عموسام در عالم نظیر ندارد. استاد عربی ما بر این باور است که کارهای عمو سام کاملاً منافقانه است و همین سبب شده است تا نظم جهانی برهم بریزد و هرنه غریبی از هر گوشه‌ای قد بکشد و با یک زنده باد کدخدا، هم کاسه‌ی او بشود. این اپیدمی آن چنان فراگیر شده است که در میان ملت‌های مظلوم نیز هر کس مبلغ عمو سام بشود می تواند تا هفت پشت خود را تأمین کند. استادعربی می گوید: در زبان عرب به این عمل موش‌های وحشی که علاوه بر راه ورود و خروج لانه، تونل‌های متعددی ایجاد می کنند و در گوشه گوشه‌ی آن، تا در وقت خطر بتوانند آن را بشکافند و فرار کنند «نفق» می گویند که به معنی نقب است. منافق هم از این کلمه گرفته شده چون کسی که وارد حریم ایمان مردم می شود و شک و شبهه می اندازد و بعد هم خودش را ملی مذهبی یا لیبرال و سکولار می نامد، کارش منافقانه است.

عمو سام که در ینگه دنیا زندگی می کند؛ سال‌ها بود که جاسوس تربیت می کرد و به خانه‌های دیگران نفوذ می داد و با این کار بسیار بسیار شرافتمندانه، امرار معاش می کرد؛ اما این روش، هزینه‌ی بالایی داشت. تکنولوژی‌های نوین به کمک او آمدند و علاوه بر صرفه جویی در هزینه‌ها، سودآوری بالایی نیز داشته‌اند. چون او که عاشق چشم و ابروی ما نبود که تلفن همراه و اینترنت را مفت بدهد.

مردم پول می دهند و در شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات و زندگی خصوصی و اجتماعی خودشان را داوطلبانه تقدیم عموسام می کنند. او هم با طبقه‌بندی آن‌ها برای هر کس متناسب با شخصیتش برنامه‌ریزی می کند

و به وقتش از آن بهره می گیرد. عمو سام توانسته است از این راه، انقلاب سبز و بنفش نفوذی‌ها را ساماندهی کند. وقتی می گویند «جیسون آدام کاظم رضاییان» جاسوس عموسام نیست، حرف درستی است. چون مأموریت این شازده پسر که



پدرش مشهدی و مادرش آلمانی است و به استخدام دستگاه عریض و طویل نهاد ریاست جمهوری درآمده است؛ نفوذی است و نه جاسوس. اگر رضاییان از این تهمت‌ها که به او زده‌اند به نتانیاهو شکایت

ببرد، حق دارد، چون شأن نفوذی بودن خیلی بالاتر از جاسوسی است. با یک دستگاه تلفن همراه که در دست صدر اعظم دولت آلمان هم باشد، می توان جاسوسی کرد، اما کاری که یک نفوذی می کند، عمراً اگر بی‌جان بریباید! جناب کلاهی با هنر نفوذپردازی خود توانست کن فیکون کند و مؤثرترین نیروهای انقلاب اسلامی را از جلوی راه عموسام بردارد. یا حضرت کشمیری با کمک سازمان مجاهدین ضد انقلاب موفق شد، رئیس جمهور و نخست وزیر مکتبی یک کشور بزرگ را شهید کند. امروز دیگر هر بچه مدرسه‌ای هم می داند که نان در نفوذی بودن است.

رحم و مروتی که در دزدهاست ذره‌ای در نفوذی‌ها نیست. نفوذی مأمور است که مسلسل‌وار آدرس اشتباهی بدهد و مسیر درست یک انقلاب را منحرف کند، آیا چنین هنری از یک جاسوس ساخته است؟ به همین خاطر استاد عربی ما می گوید که نفوذی‌ها، منافق تمام عیارند که آمده‌اند

دین و ایمان مردم را غارت کنند. وقتی آدم بی‌دین شد، هویت خود را از دست می دهد. و آدم بی‌هویت به ضد خودش تبدیل می شود و به سوی نابودی سوق داده می شود. نقل است که یک کاروان تجاری از راهی می گذشت؛ ناگهان راهزنان از راه رسیدند و آن‌ها را غارت کردند. وقتی عدل اجناس را باز کردند که در بین خودشان تقسیم کنند، دیدند که مردم برای حفظ مالشان در هر بسته‌ای آیه‌ی شریفه‌ی «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرار داده‌اند. سردسته‌ی دزدان چون منافق و نفوذی نبود گفت: همه‌ی اموال را به صاحبانشان برگردانید که اگر ما این اموال را ببریم، عقیده‌ی مردم از «بسم الله» برمی گردد. حال آنکه ما دزد مالیم و نه دزد عقیده.

نفوذی‌ها آمده‌اند تا باورهای درست مردم را تغییر دهند و اقتصاد و فرهنگ یک کشور را آن طور که عمو سام دوست دارد نوسازی کنند. این نفوذی‌ها همه جا تشریف دارند؛ در دانشگاه، در رسانه و در هر مجموعه‌ی مؤثر فرهنگی، نفوذی‌ها آمده‌اند که آدرس اشتباهی بدهند و انقلاب نمایشی به راه بیندازند. چشم همه امان روشن! مولا در نهج البلاغه فرمود: نگاه نکنید که چه کسی سخن می گوید، ببینید که چه می گوید!

موانع و آسیب‌ها در مسیر شادکامی را بشناسید

«نگرش» یعنی همه چیز!

کلام‌پژوه

محمد انصاری / دبیر انجمن علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

در شماره‌ی پیشین این نوشتار بیان شد که، الگوی اسلامی شادکامی، منطبق بر واقعیت‌های زندگی است و از این جهت که مطابق جریان زندگی معنادار و بالنده است و تمام ابعاد آن را پوشش می‌دهد، بر دیگر نظریه‌ها برتری دارد. الگوی اسلام، هم ناظر به بُعد هیجانی است و هم ناظر به روال زندگی که بخشی از آن، حوادث (خوشایند و ناخوشایند) و بخش دیگر آن، وظایف و تکالیف (باید و نباید) است. در بُعد هیجانی، نشاط و شادابی زندگی را تأمین می‌کند و در بُعد روال زندگی، رضامندی را؛ و بدین شکل، شادکامی تحقق می‌یابد.

از این‌رو یکی از آسیب‌های جدی و موانع رسیدن به شادکامی، نبود نظام باورهای فردی مبتنی بر حقایق است. انسان ایمانی با تلاش مستمر در راستای حقیقت‌جویی، کمال طلبی،

خیرخواهی و سعادت‌مندی خود و دیگران، با سیر مطالعاتی و یادگیری معارف و مهارت‌های زندگی بالنده و هم‌زمان با فهم و درک و دریافت و کاربست و عمل به آن معارف و مهارت‌ها در زندگی فردی و خانوادگی‌اش، و رشد یافته و به نظام باورهای مبتنی بر حقایق و رسیدن به شادکامی دست یافته است.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحْكِمُهُ وَفَضْلُهُ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشُّكِّ وَ السَّخَطِ؛ خداوند از روی حکمت و فضل خویش، آسایش و شادمانی را در یقین و راضی بودن به قضای الهی قرار داد و غم و

اندوه را در شک و ناخشنودی. «نگرش» هر یک از ما انسان‌ها نسبت به خویشتن خویش و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، برچسبی برداشت‌های مان از هدف زندگی و چگونگی هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مان در طول و عرض مسیر زندگی به گونه‌ای مستقیم تأثیر می‌گذارد.

براستی «نگرش» یعنی همه چیز! جهل، دشمن‌ترین دشمن انسان بوده و در پی آن خودناشناسی و خداناشناسی یکی از آسیب‌ها و موانع رسیدن به کمال و شادکامی است. در قرآن و حدیث فراوان تأکید شده است که

روی گردانی از یاد خداوند، سبب خود فراموشی و زندگانی بی‌معنای غمبار و ناگواری را در پی خواهد داشت.^۱ ناآشنایی با منابع شناخت، سرگردانی در وادی حیرت و اندیشه‌های بی‌اساس هر جایی، سبب از دست رفتن فرصت‌هاست که سبب شدیدترین اندوه‌های جانسوز است.^۲



برادر و خواهر خوبم در طول و عرض دوران شکوهمند تحصیل و در زندگی دانشجویی نیز به شدت نیازمند شناخت و یادگیری مهارت‌های زندگی دانشجویی هستیم تا با عمل و کاربست آن مهارت‌ها به شکوه، به کمال، به حقیقت برسیم

این‌شاءالله. در نظام آموزشی اسلام، مباحث فراشناخت، یاددهی یادگیری، اخلاق معلمی و دانش‌جویی در کتاب‌هایی مستقل فراوان مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

برادر و خواهر خوبم در طول و عرض دوران شکوهمند تحصیل و در زندگی دانشجویی نیز به شدت نیازمند شناخت و یادگیری مهارت‌های زندگی دانشجویی هستیم تا با عمل و کاربست آن مهارت‌ها به شکوه، به کمال، به حقیقت برسیم این‌شاءالله. در نظام آموزشی اسلام، مباحث فراشناخت، یاددهی یادگیری، اخلاق معلمی و دانش‌جویی در کتاب‌هایی مستقل فراوان مورد تأکید قرار گرفته‌اند. بی‌اعتنایی به روش‌ها و آداب تعلیم و تربیت رسیدن به شادکامی است، هم برای استاد و هم برای دانشجو. از

این‌رو یادآوری بلکه تأکید بر مطالعه اینگونه کتاب‌ها بویژه برای برخی از استادان که متأسفانه با الفبای هنر و رسالت معلمی - که هدایت جامعه به سوی الله است بیگانه و گاه بی‌اعتنا هستند، ضروری است. در پایان هم‌شاگردی خوبم در آستانه آبان ماه «ساخت و باز یافت فرصت‌ها» (حسین خنیفر) در راستای موفقیت و

پیشرفت تحصیلی، فرصت بسیار سازنده‌ای است. شاد باشید که شادی معنا و حقیقت زندگی است. برای مطالعه پیشنهاد می‌شود: آداب تعلیم و تعلم، دکتر سید محمدباقر حجتی. گام‌های موفقیت در پرتوی قرآن کریم، دکتر محمدعلی انصاری. راهنمای تحصیل، تحقیق، تدریس، استاد عبدالحمید واسطی. روش‌ها راه و رسم علم‌آموزی، استاد جوادمحدثی. مهارت‌های زندگی دانشجویی، دکتر محمدرضا کرامتی. مفاتیح الحیات و معرفت‌شناسی در قرآن کریم علامه جوادی‌آملی.

این آخرین نیست ما برای همیشه با هم هستیم. دلشاد بمانید و عاقبت بخیر باشید. (پی نوشت) ۱/ احشر / ۱۹۰ / ۱۵ / ۱۲۴ / ۴۶۰ / بحار الانوار، ج ۲۲، باب ۱۰۰، روایت ۲ ۲ (امیرالمومنین امام علی «علیه السلام»

مشکلات به بهانه رفع آنها روحمان به شدت تشنه راز و نیاز و خواهش و تمنا می‌شود اما غافل از اینکه نفس مناجات و از عمق جان با خالق هستی راز و نیاز کردن سختی و بلا را برایمان سبک می‌کند و آرامش را به سوی مان نازل می‌کند. شاید بتوان گفت یک وجه از مفهوم «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را در زندگی همین باشد که در دل هر سختی آسانی است. آسانی با سختی همراه است نه اینکه بعد از سختی آسانی است. و این خود یک فرصت طلایی در جهت تقرب به اوست. حال چه مصلحتش تعلق گیرد و سختی از بین برود و چه اینکه آن دعا مستجاب نشود، این یک عاملی در راستای هدایت ما به سوی خداوند رحیم بوده است.

مشکلات با طعم آرامش



حتماً وجودش در زندگی من ضروری بوده که خالق حکیم دنیا را با آن عجین کرده است. اما غصه خوردن‌ها علاوه بر اینکه مجال رشد و بزرگ شدن را به

محبوبه پارسا کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی همیشه در کنار نعمت، رفاه و آسایشی که خیلی هم به درازا نمی‌کشد شاد و سرمست و مغرور می‌شویم و کمی بعد آن و چه بسا همراه آن باید با مشکلاتی دست و پنجه نرم کنیم. اما آیا می‌شود با سختی و مشکل نیز طوری برخورد کرد که از وجود داشتنش راضی باشیم؟ یا بهتر است بگوییم مشکلات برای ما چه به ارمان می‌آورند؟ اگر از سختی‌ها فقط رنج‌ها و غصه‌هایش دیده شود طبیعتاً حتی مجال فکر کردن درباره آن به ما نمی‌دهد. اگر سختی وجود دارد پس



برادری دینی...

در گذشته برادری دینی داشتم (برخی گفته اند: آن شخص ابوذر غفاری یا عثمان بن مظعون بود) که در چشم من بزرگ مقدار بود، چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می‌نمود، و از شم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی‌یافت آرزو نمی‌کرد، و آنچه را می‌یافت زیاده روی نداشت، در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می‌گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش‌کنندگان را فرو می‌نشاند به ظاهر ناتوان و مستضعف می‌نمود، اما در بر خورد جدی چونان شیر بیشه می‌خروشد، یا چون مار بیابانی به حرکت در می‌آمد. تا پیش قاضی نمی‌رفت دلیلی مطرح نمی‌کرد، و کسی را عذری نداشت سرزنش نمی‌کرد، تا آن عذر او را می‌شنید، از درد شکوه نمی‌کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی، آنچه عمل می‌کرد می‌گفت، و بدانچه عمل نمی‌کرد چیزی نمی‌گفت، اگر در سخن گفتن بر او پیشی می‌گرفتند در سکوت مغلوب نمی‌گردید و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود. اگر بر سر دو راهی دو کار قرار می‌گرفت، می‌اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک‌تر است با آن مخالفت می‌کرد، پس بر شما باد روی آوردن به این گونه از ارزش‌های اخلاقی، و با یکدیگر در کسب آن‌ها رقابت کنید، و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزش‌های اخلاقی بهتر از رها کردن همه آن‌هاست.

منبع: حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه

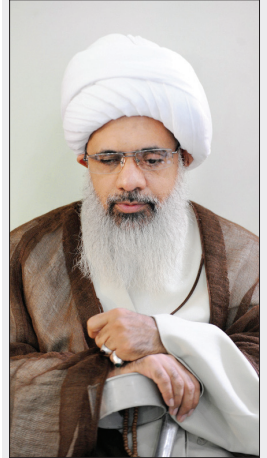
دین در گذر زمان



اندیشه



زهره حمیدی سوها
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات
زنان دانشگاه تربیت مدرس



چرا نباید زیاد در محضر علما نشست؟

در روایتی که در فضل دیدار علما ربّانی داریم که هم در اصول کافی هست و هم شهید ثانی آن آیت حق، در منیه‌المرید آورده است که وقتی به دیدار علما می‌روید، استفاده کنید ولی زیاد نشینید که هم آن‌ها اذیت نشوند و هم شما بروید. یک دلیل این مطلب این است که غرق در عالم ربّانی شدن که خودش نور آور است، حال انسان را عوض می‌کند. همان‌طور که چندین بار عرض کردم امام راحل و عظیم‌الشان فرمودند: من آن قدر که از چهره آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی علم گرفتم، از زبان‌شان نگرفتم. ما فکر می‌کردیم نگاه به عالم ربّانی فقط عبادت است اما فهمیدیم علم هم می‌آورد اما با اینکه علم آور است، آقا می‌فرمودند: وقتی شما محو آن‌ها می‌شوید، یاد می‌رود که خودت عمل انجام دهی. این مصداق کوچکی است نسبت به آن که انسان صوت ائمه را نمی‌شنود که نکند خودش یادش برود. لذا وقتی از آن‌ها فارغ شوی، یک لحظه تأمل می‌کنی که چرا ایشان این‌طور شدند، چرا آیت‌الله بهجت، بهجت شده؛ چرا آیت‌الله بهاء‌الدینی، آیت‌الله خوشوقت، حضرت مفید عزیز و دیگران این‌طور شده‌اند. یک تأملی می‌کنید می‌بینید به عمل صالح است، به حب الی الله است و آن وقت هم آن اعمال را انجام می‌دهی. پس یک دلیل و برهان این است. بله، شما بلند می‌شوید می‌آیید اما نباید امید من و شما به شب‌خیزی‌مان باشد. امیدمان این است که از این عمل، اعلان حبّ است. گفتاری از آیت الله قرهی

بحث پرچالش ثبات دین بدن معناست که آموزه‌های معرفتی، اصول اخلاقی و قواعد حقوقی ارائه شده توسط دین علی‌الاصول ثابت‌اند و گذر زمان نمی‌تواند بر آنها خللی وارد آورد. اما آنچه ایجادکننده بحث است این پرسش است که جمع میان ثبات دین و پذیرش تحولات اجتماعی چطور امکان‌پذیر است؟

در پاسخ به این پرسش مهم می‌توان ۶ گروه را از یکدیگر متمایز دانست:

۱. لائیک‌ها: این گروه همواره شیفته تحولات بودند و لذا به صراحت بیان داشتند که دین مانع پیشرفت ملت‌هاست و بایستی از متن زندگی انسان کنونی حذف گردد.

۲. سکولارها: شعار این گروه جدایی دین از سیاست بود. به تعبیری دیگر دین تنها برای سامان‌دهی به روابط میان انسان با پروردگار و انسان با خودش آمده است و لذا باید میان دین‌داری و دین‌مداری تفاوت قائل شد.

اشکالی که بر این گروه وارد است این می‌باشد که تعریف دین را از منظر خود بیان داشتند؛ حال آنکه تعریف دین را باید از خودش پرسید. آیا اسلام خود بیان نموده است که در سیاست دخالتی نخواهد داشت؟ دوم اینکه عرصه‌های حیات درهم تنیده هستند و مناسبات میان فرد و خدا و فرد با

خود و جامعه بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند. افرادی که از سکولاریسم دفاع می‌نمایند تدریجاً دین را در عرصه‌های عبادی و فردی نیز محدود می‌نمایند. به بیانی سکولاریسم در عمل تا حد زیادی به نفی دین منجر می‌گردد.

۳. تجددگرایان: مبنای تحلیل دینی از منظر این گروه، ارزش‌های انسان مدرن است. به عبارتی اینان به صراحت حضور دین را در عرصه‌های اجتماعی نفی نمی‌نمایند اما نگاهشان به تحولات مثبت است و برآنند که دین باید خودش را با تحولات اجتماعی هماهنگ نموده و به عبارتی مدرن شود.

اشکال تجددگرایان آنجاست که کار پیامبر را ناتمام تلقی می‌کنند. به این معنا که بیان می‌دارند سیاست‌های اسلام قدم به قدم بوده است و به

مجرد اینکه پیامبر از دنیا رفتند و فقها عرصه را به دست گرفتند در این روند خلل وارد آمده است و لذا در عصر کنونی متون دینی می‌بایست مورد بازخوانی قرار گیرند. این تعریف اگر چه که شاید از نگاه اهل تسنن اندکی مورد قبول باشد اما از نگاه شیعیان که به عصر امامت پس از عصر پیامبر واقف هستند نامعتبر است.

۴. سنت‌گرایان: این گروه بر ثبات شریعت تأکید داشته و یکسره تحولات را انکار می‌نمودند. در نظر این دسته از افراد تحولات اجتماعی منفی هستند و روابط انسانی نباید تا به این حد پیچیده باشد. آرمان این گروه بازگشت به مناسبات ساده عصر پیامبر است.

۵. فقه‌گرایان: این گروه تحولات را مشروط به هماهنگی‌شان با آموزه‌های حقوقی دین پذیرا هستند و هر زمان که این تحولات را معارض با فقه دانستند آنان را نفی می‌نمایند. انتقادی که بر این گروه وارد است

این است که دین را به فقه تقلیل داده‌اند. در حالیکه دین یک نظام است و باید در کلیت خودش فهم گردد.

۶. تمدن‌گرایان: این گروه به اسلام و غرب به عنوان دو تمدن می‌نگرند. به عبارتی هدف از دین اسلام را ایجاد ساختارها و ارزش‌های جدیدی می‌دانند که به تحولات نیازمند است. هر چند نگاه به این تحولات ضرورتاً مثبت نیست اما در صورتیکه این تحولات هماهنگ با جهت‌گیری دینی، اصول اخلاقی و مناسبات حقوقی دین باشند می‌توان آنان را پذیرفت. اما اینکه نگاه ما نسبت به ثبات

آموزه‌های دینی چگونه است را می‌توان در قالب نکاتی چند اینگونه بیان داشت که:

۱. خداوند که خود ثابت است و سعادت بشر که در بندگی وی نیز تعریف می‌شود همواره ثابت می‌باشد. از سویی دیگر ظرفیت‌های بشر از قبیل عقل، قدرت، اختیار و ... نیز که در طول زمان ثابت هستند.

۲. آموزه‌های اصول اخلاقی و احکام حقوقی بیشتر بر کلیات تمرکز دارند و آنچنان مصداقی نیستند. برای مثال آیه ۶۰ سوره انفال بیان می‌دارد که حکم واجب شرعی کسب قوت و قدرت در برابر دشمنان است به گونه‌ای که آنان در حالت خوف نسبت به شما مسلمانان

واقع گردند و جرأت تعرض به شما را نداشته باشند. این قدرت گاه بر حسب تیر و کمان است و گاه توپ و تفنگ و ... همچنین است در آیه ۲۷۵ سوره بقره که بیع را تا قیامت حلال و ربا را نیز حرام اعلام داشته است.

مصداق بیع شاید در گذشته تنها داد و ستدی بوده است اما امروزه در فضای مجازی هم ممکن می‌باشد. لذا تغییرات در مصداق نمی‌توانند به تغییرات در اصل حکم منجر شوند بنابراین ما تحولات را می‌پذیریم اما آنان را در ذیل اصول ثابت فهم و تحلیل می‌نماییم.

۳. در برخی مواقع احکام دین به موضوعاتی مربوط است که خود سیال و تحول پذیرند. لذا تحول در احکام به سبب تحول در این موضوعات قابل قبول است. برای مثال در دین موسیقی‌ای که مترادف با لهو و لعب باشد حرام است، حال شاید

موسیقی‌ای ۵۰ سال پیش دارای این وصف بوده اما اکنون چنین نباشد و در مجالس لهو و لعب نیز اصلاً به کار نیاید. بنابراین تغییر ذائقه مردم حکم سابق را بر این مصداق خاص خلع می‌نماید.

۴. گاهی مواقع یک حکم بر عنوان کلی‌ای سوار است که دارای مصداقی متعدد می‌باشد. برای مثال وجوب صلّه رحم که در گذشته تنها با رفت و آمد فیزیکی افراد میسر بود و امروزه با استفاده از پیامک، چت و ... نیز امکان‌پذیر است.

۵. اسلام دو دسته حکم دارد. یک دسته حکم برای احوالات عادی و دسته‌ای دیگر برای احوالات

اضطراری. مواقع اضطراری از جمله مواقعی است که حکم ثابت را قابل تغییر خواهد نمود. برای مثال در اسلام حکم قطعی است که خوردن گوشت جانور مرده حرام است اما اگر شخصی در مضیقه‌ای افتاد که

خوف مرگ بر آن می‌رفت این حکم از وی ساقط می‌شود.

۶. علاوه بر احکام در دین اسلام قواعدی نیز وجود دارند که می‌توانند حاکم بر احکام باشند همچون تاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام.

۷. احکام شرعی گاه در تراجم با یکدیگر واقع می‌شوند که دستور دین در اینجا انتخاب بین اهم و مهم می‌باشد.

نتیجه آنکه می‌توان ادعا نمود قوانین و مقررات اسلامی انعطاف‌پذیرند و لذا می‌توانند برای شرایط متحول پاسخ مناسبی ارائه دهند.

در برخی مواقع احکام دین

به موضوعاتی مربوط است که خود سیال و تحول پذیرند. لذا تحول در احکام به سبب تحول در این موضوعات قابل قبول است. برای مثال در دین موسیقی‌ای که مترادف با لهو و لعب باشد حرام است، حال شاید موسیقی‌ای ۵۰ سال پیش دارای این وصف بوده اما اکنون چنین نباشد و در مجالس لهو و لعب نیز اصلاً به کار نیاید.

خوف مرگ بر آن می‌رفت این حکم از وی ساقط می‌شود.

علاوه بر احکام در دین اسلام قواعدی نیز وجود دارند که می‌توانند حاکم بر احکام باشند همچون تاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام.

احکام شرعی گاه در تراجم با یکدیگر واقع می‌شوند که دستور دین در اینجا انتخاب بین اهم و مهم می‌باشد.

نتیجه آنکه می‌توان ادعا نمود قوانین و مقررات اسلامی انعطاف‌پذیرند و لذا می‌توانند برای شرایط متحول پاسخ مناسبی ارائه دهند.

مگه میشه؟ مگه داریم؟؟؟



داریوش به عنوان پادشاهان تاریخی ایران شایسته توجه‌اند. تردیدی نیست که ما میراث‌داران تاریخ هستیم، اما این موضوع یعنی مطالعه و تحقیق، یعنی شناخت درست. حال آنکه امروز شاهد یک ذهنیت بر ساخته‌ی نادرست هستیم. از حال و روز امروز غافل می‌شویم. نقاط قوت و ضعف امروز را نمی‌بینیم و تنها به ستایش آنچه ساخته‌ایم می‌پردازیم. از یک‌سو توانایی‌ها داشته‌های کنونی را به هیچ می‌گیریم در خیال اینکه در گذشته بسیار بهتر بوده‌ایم؛ و از سوی دیگر به جای اینکه نواقص و معایب خود را اصلاح کنیم و به رقیبانی که پیشی گرفته‌اند برسیم، تنها به شکوه و عظمت گاه خیالی گذشته‌های دور می‌پردازیم. برای این مساله راه‌حلی وجود دارد و آن مطالعه و تحقیق در درجه نخست و سپس دوری از تعصب و ساده‌نگری در موضوعات تاریخی و اجتماعی است.

۱. (محمدبن جریر طبری، تاریخنامه طبری، ج ۱، ص: ۶۴۶)
۲. (حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص: ۲۲۲)

شد تا در پی یافتن هویت به گذشته‌های دور بازگردیم. زمانی که رضاشاه برای نخستین بار به تخت جمشید رفت، دریافت که آنچه را جستجو می‌کرده یافته است. هویت شیعی حدود چهار قرن در ایران نهادینه گردیده بود و زمانی که قرار شد از آن فاصله بگیرند به دنبال ایران باستان رفتند.

امروزه باستان‌گرایی مسأله‌ای است که اگر به آن توجه نشود به صورت یک معضل در خواهد آمد. توجه متعصبانه و کاملاً خالی از آگاهی به تاریخ ایران باستان و بساخت یک ذهنیت که با واقعیت تاریخی فرسنگ‌ها و قرن‌ها فاصله دارد. کیومرث و جمشید به عنوان اسطوره، کورش و

یکی نیست تا اندکی بیاندیشد که کورش چگونه و چه زمان وصیت‌نامه نوشته است. کدام سنگ یا لوح؟ تنها یک جمله به صورت کتیبه وجود دارد که آن هم فقط منسوب به وصیت‌نامه‌ی او یا سخنان الهام‌بخش می‌گردیم. این داستان همه ناشی از فقدان هویتی است که در زمان حکومت پهلوی وجود داشت. موضوعی که باعث

صادق است. افرادی که یک کتاب تاریخی خوانده‌اند، پنج دقیقه در مورد تاریخ ایران باستان تحقیق نکرده‌اند، حتی اغلب نمی‌دانند نام آنچه برگردانند چیست و عده‌ای هم که می‌دانند از تلفظ درست فرّوهر ناتوانند؛ باوری ساخته‌اند که تا حد زیادی نادرست است. از سویی افرادی سودجو نشان را در قالب گردن‌بند و عکس تولید می‌کنند، از سوی دیگر برخی گروه‌ها آن را به شیوه دلخواه خود تغییر می‌دهند و در نهایت جوانانی که بدون آگاهی آن را به کار می‌گیرند.

مورد دیگر کتاب‌هایی است با عنوان وصیت‌نامه کورش، زندگی‌نامه کورش، کورش کبیر، منشور کورش و از این قبیل مسائل. حال یکی نیست تا اندکی بیاندیشد که کورش چگونه و چه زمان وصیت‌نامه نوشته است. بر روی کدام سنگ یا لوح؟ تنها یک جمله به صورت کتیبه وجود دارد که آن هم فقط منسوب به کورش است. آنگاه ما به دنبال وصیت‌نامه‌ی او یا سخنان الهام‌بخش می‌گردیم. این داستان همه ناشی از فقدان هویتی است که در زمان حکومت پهلوی وجود داشت. موضوعی که باعث

توصیفگر این دیدگاه است. «پسر بهشت در اوستا، سیروس تورات، سایروس انجیل، ذوالقرنین افسانه‌ای قرآن، رهاننده یهودیان، پدر سرزمین ایرانیان، بخشنده پراوازه، نخستین بنیانگذار فرمان حقوق بشر، نخستین دادگستر گیتی، بنیانگر نخستین شاهنشاهی چند سرزمینی در گیتی، آزادساز و رهاننده برده‌ها و در بندیان، بنیان‌گذار فرمان‌روایی پراوازه و باشکوه هخامنشیان، نخستین پادشاه شاهنشاهی هخامنشیان می‌باشد. وی هیچگاه همتایی در این جهان نداشته و نخواهد داشت، کوروش یک مسیح بود، و یا بهتر بگویم کوروش یک اسطوره و افسانه بود.»

کوروش واقعی شاید همه‌ی اینها باشد و هیچ‌کدام نباشد. کوروش در معنای نخست همان تاریخ شفاهی است با همه نقاط ضعف و قوت‌اش. آنچه سینه به سینه نقل شده و پس از مدتی شکلی از افسانه و اسطوره به خود گرفته است. به تعریف دوم هم نمی‌توان به تمامی اعتماد کرد. چرا که نقل هرودت و تورات هم بی‌نقص نیستند و به تحقیقات باستان‌شناسی و شرق‌شناسی هم نباید به تمامی اعتماد کرد. در مورد سومین دیدگاه بیشتر صحبت خواهیم کرد. برای جوامع در حال توسعه واقعیتی وجود دارد با این عنوان که مردمان این جوامع خوشبختی و عظمت را در گذشته جستجو می‌کنند. می‌توان گفت این امر در مورد جامعه امروز ایران نیز

در واقع ما با سه کورش مواجه هستیم. کورشی در منابع ایرانی و اسلامی، کورشی که محققان غربی با تحقیقات باستان‌شناسی و تکیه بر منابع یونانی و رومی درباره او نوشته‌اند، و کورشی که عوام جامعه ایرانی و برخی افراد سودجو ساخته‌اند.

محمد رافعی دانشجوی دکتری تاریخ

زمانی که نام کورش را می‌شنویم چه چیز به ذهن خطور می‌کند؟ کورش بزرگ، منشور کورش، وصیت‌نامه کورش، نشان فرّوهر، یا هر چیز دیگری در همین حدود. اما آیا یک فارغ‌التحصیل تاریخ ایران باستان هم همین ذهنیت را دارد؟ پاسخ مطمئناً خیر خواهد بود. در واقع ما با سه کورش مواجه هستیم. کورشی در منابع ایرانی و اسلامی، کورشی که محققان غربی با تحقیقات باستان‌شناسی و تکیه بر منابع یونانی و رومی درباره او نوشته‌اند، و کورشی که عوام جامعه ایرانی و برخی افراد سودجو ساخته‌اند.

کوروش به معنای نخست تقریباً همان چیزی است که طبری در تاریخ خود ذکر می‌کند: «چون گشتاسپ به ملک بنشست به زمین بلخ، او را گفتند که زمین شام بخت النصر ویران کرده است و زمین فلسطین و بیت المقدس همه ویران است ... او را از آن سخن آندوه آمد که ملوک عجم ویرانی جهان بدیدند. کس فرستاد به زمین عراق و بابل آنجا که بخت النصر نشستی، سرهنگی را بفرستاد نام او کورش، و بخت‌النصر را از آن ملک باز کرد.» کوروش در معنای دوم «همان کورش یا کور و در پارسی باستان است. به یونانی و رومی کورس و سیروس گفته‌اند»^۱. در این جا کورش از جمله پادشاهان هخامنشی است و امپراتوری هخامنشی را به اوج قدرت می‌رساند. توانایی او در گسترش قلمرو، سازماندهی امور، و رفتار مناسب با ملل مغلوب از جمله شاخصه‌های این پادشاه است. این نگاه گاهی تحت تاثیر تورات قرار می‌گیرد. توراتیان کورش را پدر می‌نامند. کورش در سومین معنا جالب توجه‌ترین شخصیت را دارد. مطلبی که در شبکه‌های مجازی وجود دارد بهترین

معنا در معماری اسلامی

محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی - گرایش دوران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

معماری از کهن‌ترین هنرهای می‌باشد که همواره با انسان، افکار، عقاید و ادیان وی همراه بوده است. باستان‌شناسان قدمت تاریخ معماری را بیش از حدود ده الی یازده هزار سال پیش تخمین نموده‌اند. در این میان، جهان اسلام تعداد بسیاری آثار برجسته هنری و معماری آفریده است که به طرز بی‌ظنیر نمادین هستند: کعبه، قبه‌الصخره، تاج محل، مسجد شیخ لطف‌الله و بسیاری دیگر.

معماری جدا از وجهه کارکردی آن، معنایی در درون خود نهفته دارد که به ناظر و یا کاربر اثر معماری منتقل می‌کند. هر پدیده دارای دو جنبه ادراکی و ساختاری است. جنبه ساختاری ساده، هویدا و فارغ از تعقلات فرهنگی

و اجتماعی قابل شناسایی است. وقتی در هنر به شکل کلی بحث از ادراک می‌شود، بدین معناست که ما به محتوای هنر توجه می‌کنیم، یعنی آن چیزی که می‌بایست به واسطه مخاطبان باید فهمیده شود. رودلف آرنه‌ایم معتقد است که بنا در همه و جوهش امری است مربوط به ذهن آدمی، بنا عبارت است از ادراک حسی منظر و صورت. در هنر و معماری، معنا و عملکرد دو عنصر جداگانه نیستند، بلکه عملکرد در خدمت معنا قرار می‌گیرد و اساساً معنا مهمترین جنبه و کارکرد عملکرد است. از این منظر، عناصر کالبدی بنا ابزارهایی هستند برای انتقال کدهای فرهنگی.

مقصود از بیان در معماری، سخنی است که بنا به مخاطب خود می‌گوید، حالتی است که در لحظه نخستین به بیننده القا می‌کند. رنگ و بویی که با قرار گرفتن در فضا احساس می‌شود و این بیان ناشی از نگرشی است که معمار به کل هستی دارد. می‌توان گفت



ویژه در دوران اسلامی می‌باشد. یورک گروتز؛ اطلاعاتی را که از پدیده‌ها به شکل عام و از معماری به شکل خاص به ما می‌رسند را در دو سطح تقسیم‌بندی کرده است: اطلاعات زیبایی‌شناختی و اطلاعات معنایی. این دو نوع اطلاعات تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. اطلاعات زیبایی‌شناختی بیشتر احساسات ما را متأثر می‌کنند و جنبه عاطفی دارند در حالی که اطلاعات معنایی خود اطلاعات و پیام را منتقل می‌کنند. این نوع از اطلاعات را می‌توان با مبحث ادراک شناختی در روانشناسی متناسب دانست. به طور کلی زیبایی‌شناختی توسط

که معماری هم به مانند زبان، پیام‌هایی را منتقل می‌کند. این پیام‌ها از ابعاد کالبدی بنا به ما می‌رسند و در ذهن ما معنا می‌یابند. در واقع مبحث ادراک در معماری اسلامی تمرکز بر بخش ناظر است، یعنی بنا در ذهن بیننده آن بررسی می‌شود. از این رو و از آنجا که ادراک مسأله‌ای کاملاً ذهنی است که براساس اطلاعات ما از حواسمان جمع‌آوری شده‌اند و مطالعه آن به مراتب مشکل‌تر از بررسی ابعاد ساختاری معماری خواهد بود و روش‌های سنجش و بررسی آن نیز اساساً متفاوت از روش‌های معمول برای تحلیل و بررسی ابعاد کالبدی یک اثر معماری به

می‌توان گفت که معماری هم به مانند زبان، پیام‌هایی را منتقل می‌کند. این پیام‌ها از ابعاد کالبدی بنا به ما می‌رسند و در ذهن ما معنا می‌یابند. در واقع مبحث ادراک در معماری اسلامی تمرکز بر بخش ناظر است، یعنی بنا در ذهن بیننده آن بررسی می‌شود.

احساس و اطلاعات معنایی به وسیله شعور درک می‌شوند. نقش انسان در فرایند ادراک نقشی کارآمد است. از طریق سازماندهی ذهن مجموعه اطلاعات رسیده جمع‌بندی و خلاصه می‌شوند. بر طبق نظریه اطلاعات در معماری، ساختمان ترکیبی از اجزاست که هر کدام از آنها پیامی ویژه را منتقل می‌کنند و لذت بخش بودن این پیام‌ها وابسته به ساختار فرستنده این پیام‌هاست. به طور کلی ذهنیت بخشیدن به تصاویر عینی خود به خود نوعی ساده‌کردن اطلاعات محسوب می‌شود، زیرا ذهن بنا بر اصول ادراک، اطلاعات را به شکل خلاصه در می‌آورد.

گزارش یک جشن



دانشگاه تربیت مدرس در جمع بهترین های آسیا

بنا به اعلام پایگاه خبری یواس نیوز؛ دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران با کسب رتبه ۵۰ در جهان و رتبه ۲۳ در آسیا با فاصله بسیار زیاد، مقام اول خاورمیانه را کسب کرده‌اند. در حیطه موضوعی شیمی نیز دانشگاه تربیت مدرس ضمن کسب رتبه سوم منطقه دارای بهترین رتبه بین دانشگاه‌های برتر کشور است.

طبق این گزارش در حیطه مهندسی وضعیت کشورمان بسیار مطلوب ارزیابی شده؛ به نحوی که پس از دانشگاه تربیت مدرس و تهران که رتبه نخست خاورمیانه را از آن خود کرده‌اند، دانشگاه صنعتی شریف، صنعتی امیر کبیر و علم و صنعت نیز رتبه ۳ تا ۵ خاورمیانه را به خود اختصاص داده و بدین ترتیب ایران مقام اول خاورمیانه را در این حیطه کسب کرده است.

گفتنی است پایگاه یواس. نیوز جزو پیشروترین موسسات در امر رتبه بندی است. این پایگاه از سال ۱۹۸۳ دانشگاه‌های آمریکا را رتبه بندی کرده و تنها به ارزیابی و رتبه بندی در سطح ملی می‌پرداخته است. این پایگاه در سال گذشته برای اولین بار اقدام به رتبه بندی در سطح جهانی کرد. اطلاعات مورد نیاز رتبه بندی و نتایج نظرسنجی‌ها همگی توسط پایگاه اطلاعاتی تامسون رویترز (آی اس آی) تهیه می‌گردد. پایگاه یواس. نیوز با افزایش پوشش دانشگاهی خود از ۵۰۰ دانشگاه در سال گذشته به ۷۵۰ دانشگاه در سال جاری، دانشگاه‌های برتر از ۵۷ کشور را شناسایی کرد. این رتبه بندی همچنین در ۲۲ حیطه موضوعی نیز دانشگاه‌های برتر را معرفی کرده است. از قاره آسیا ۱۶۸ دانشگاه برتر در این فهرست قرار دارند.



سودابه شجاعی

مراسم جشن آغاز سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ و تقدیر از پذیرفته شدگان ممتاز دانشگاه با حضور قائم مقام وزیر علوم تحقیقات و فناوری، هیات رئیسه، مسئولین دانشگاه و دانشجویان ورودی جدید توسط معاونت آموزشی دانشگاه برگزار شد. پس از هماهنگی با حراست دانشگاه و ارائه کارت شناسایی به آن‌ها وارد محوطه دانشگاه شدیم. گویا اینجا قرار است اتفاقات خوبی رخ دهد. این را در چهره دانشجویان می‌شد حدس زد. بنری از خیابان جلال آل احمد به چشم می‌آمد. حالا که نزدیکتر شده‌ام بهتر می‌توانم بخوانم. جشن آغاز سال تحصیلی جدید... در دل گفتم این دانشجویان هر کدامشان حداقل یکبار در این چنین مراسم‌هایی شرکت کرده‌اند و به احتمال زیاد از مراسم استقبال خوبی نشود. طبیعی هم بود... اما وقتی به سمت محل برگزاری مراسم رهسپار شدم با خیل عظیم دانشجویان روبرو شدم. بعدها در خبرها خواندمم بالغ بر ۲۵۰۰ نفر از دانشجویان در این مراسم حضور داشتند. هرچه باشد

گزارش تهیه کند برانشریه هم جو ورودی جدیدی بودن ایجاد کرده بود.

مراسم با تلاوت قرآن کریم و اجرای سرود ملی آغاز شد. ریاست دانشگاه در سخنرانی خود از دانشگاه تربیت مدرس برای مهمانان گفت. از اینکه دانشگاه مولود انقلاب است و قدمتی ۳۴

ساله دارد. دکتر احمدی از جوان بودن دانشگاه گفتند و اینکه با همین عمر کوتاه دانشگاه توانسته پله‌های ترقی را یکی از پس از دیگری طی کند. ریاست دانشگاه تاکید کردند دانشگاه تربیت مدرس توانسته است رتبه‌ی ۲ و ۳ را در تولید علم و فناوری کسب کند و هدف آن تربیت محقق و مدرس برای توسعه‌ی آموزش عالی کشور بوده است.

دکتر احمدی در ادامه افزود: در دهه‌ی ۶۰ تحصیلات تکمیلی

یک آرزو بود که دانشگاه با اعتماد به نفسی که ایجاد کرد توانست این مسیر را برای تمام کشور باز کند. سخنان پایانی دکتر احمدی خطاب به دانشجویان ورودی جدید بود. وی با

بیان اینکه مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مقاطع سخت و مهمی است از آنها خواست تا برای کسب مدارج بزرگ انسانی و علمی تلاش کنند و با استفاده از امکانات دانشگاه و بهره‌مندی از اساتید پر تلاش، دوران تحصیل خود را به خوبی طی کنند و با دقت و برنامه‌ریزی آینده خود را بیمه نمایند.

دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دیگر سخنران این مراسم بودند. دکتر فلاح رفیع ضمن خوش آمدگویی به دانشجویان بیان کرد: فرد جوای علم و دانش تا تمام هستی خود را در پیشگاه علم تقدیم نکنند علم جزئی از خود را به او نخواهد بخشید، ایشان در ادامه سخنان خود به تلاش

بی وقفه و رعایت حرمت و جایگاه علمی استادان اشاره کردند و افزودند: از راهبرد مهم پیشرفت علمی و درخشش در سطح جهانی آزاد اندیشی توام با عمق بخشی می‌باشد و این مهم محقق نمی‌شود مگر زمانی که انسان دانش پژوه عاشق کار خود باشد.

وی در این زمینه با ذکر مصادیقی از زندگی علمای بزرگ افزودند علم واقعی نیز به دست نمی‌آید مگر همراه با پاکی و تهذیب نفس، این واقعیتی تاریخی است که در شرق و غرب عالم نمونه‌های بسیار دارد. مسئول نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه شرط پیشرفت در علم را همت بلند و ادب دانسته و افزودند: کسانی که در این راه قدم برمی‌دارند باید همت بلند و عشق داشته باشند تا عشق نباشد چیزی درست نمی‌شود. در

شرق و غرب می‌بینید دانشجویی که به استاد احترام می‌گذارد موفق می‌شود. علم در دل پاک و مژنه جای می‌گیرد و همچنین می‌توانیم انتقاد داشته باشیم اما در نهایت ادب اگر می‌خواهید آزادانه و مودبانه داشته باشید.

اما در نهایت ادب اگر می‌خواهید در علم موفق باشید باید نقدی آزادانه و مودبانه داشته باشید.

آقای دکتر تسلیمی قائم مقام وزیر علوم دکتر تسلیمی در مراسم جشن استقبال از دانشجویان جدیدالورود دانشگاه تربیت مدرس با تاکید بر اینکه دانشگاه عهده‌دار تولید علمی برای توسعه پایدار است، افزود: دانشجو استمراردهنده این تولید است.

دکتر تسلیمی با اشاره به هدف تشکیل دانشگاه تربیت مدرس گفت: وظیفه دانشگاه تربیت مدرس تربیت اعضای هیات علمی برای همه دانشگاه‌ها البته با اولویت مناطق محروم است، اما در موقعیتی که قرار داریم فعلا این امر به

اشباع رسیده است و به شدت گذشته نیاز به تقویت استاد نداریم.

وی ادامه داد: بنابراین اشتغال را نباید تنها از رهگذر تدریس جست‌وجو کرد و در این راستا لازم است توجه بیشتری به پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، گردش کار ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت شود.

قائم مقام وزیر علوم، در پایان گفت: دیپلماسی علمی کشورها باید در دانشگاه‌ها توسعه یابد و توجه شود که منظور از دیپلماسی علمی فقط تبادل استاد و دانشجو نیست بلکه حضور همه عالمان کشور در صحنه علمی جهان است.

دکتر امین ناصری معاون فرهنگی دانشگاه در این آیین با ایراد سخنانی با بیان اینکه زندگی دانشجویان به دو بخش علم‌آموزی و فعالیت فرهنگی تقسیم می‌شود، افزود: اهمیت فرهنگ کمتر از علم‌آموزی نیست. فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند

سازمان بخش فعالیت‌های علمی دانشجویان باشد و فرهنگ در واقع راه برون رفت از مشکلات و مسائل پیچیده زندگی است. وی خاطرنشان کرد: در دانشگاه تربیت مدرس سعی

می‌شود فضای فرهنگی پرتحرک و با نشاطی ایجاد شود تا استعدادها همه دانشجویان در هر سطحی که هستند شکوفا شوند.

بعد از اتمام صحبت‌های مسئولین دانشگاه، دکتر مسیح از استادان و هیئت علمی دانشگاه به اجرای موسیقی زنده پرداختند. در پایان از رتبه‌های برتر و دانشجویان نمونه سال ۹۳ با اهدای جوایزی تقدیر شد.

لازم به ذکر است که این مراسم قرار بود ششم مهرماه برگزار شود اما به دلیل جان باختن تعداد زیادی از حجاج خانه خدا لغو شد و به ۱۴ مهرماه موکول شده بود.

دکتر فلاح رفیع: در شرق

و غرب می‌بینید دانشجویی که به استاد احترام می‌گذارد موفق می‌شود. علم در دل پاک و مژنه جای می‌گیرد و همچنین می‌توانیم انتقاد داشته باشیم اما در نهایت ادب اگر می‌خواهید آزادانه و مودبانه داشته باشید.

دکتر تسلیمی: اشتغال

را نباید تنها از رهگذر تدریس جست‌وجو کرد و در این راستا لازم است توجه بیشتری به پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، گردش کار ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت شود.

دکتر احمدی: دانشگاه

تربیت مدرس با اعتماد به نفسی که ایجاد کرد توانست این مسیر را برای تمام کشور باز کند. سخنان پایانی دکتر احمدی خطاب به دانشجویان ورودی جدید بود. وی با

هیس! به متاهل ها خوابگاه نمی دهند!

اتفاقیه



سودابه شجاعی

گشتی در بازارچه خیریه

روبروی سالن مطهری و ورودی سلف برادران دومین بازارچه خیریه دانشجویی با همت گروه جهادی نورالهدی بسیج دانشجویی برگزار شد. بازارچه که متشکل از غرفه‌های متنوعی از جمله غرفه خوراکی‌ها، کارهای دستی دانشجویان، گرفتن فشار خون، گل‌دان ... بود مورد استقبال کم‌نظیر کارمندان، دانشجویان قرار گرفت.

ذوقی در نگاه دانشجویانی که کار دست خود را به نمایش گذاشته بودند دیده می‌شد که هر کدام به نوعی خاص محصولاتشان را عرضه می‌کردند: خانم؛ تست هم داریم. آقا؛ از این غرفه هم دیدن کنید، فشار خون هم می‌گیریم، تخفیف هم داریم ... هر کدام از غرفه‌داران از جان و دل مایه می‌گذاشتند آن هم برای اینکه مبلغ دریافتی صرف تهیه لوازم التحریر کودکان بی‌بضاعت می‌شد. از نکات جالب توجه بازارچه این بود که غرفه‌های مواد غذایی بیشتر بود که با هدف معرفی غذاهای سالم، بومی و سنتی در بین دانشجویان دایر شده بود تا بتوان با ترویج فرهنگ غذایی سالم، به بالا بردن سطح سلامت جامعه کمک کرد. استادان، کارمندان دانشگاه از مراجعین دیگر این بازارچه بودند. گرچه دانشجویان حضور بیشتری در این بازارچه خیریه داشتند. گرچه برخی از دانشجویان فقط از سر کنجکاوی به بازارچه آمده بودند و خریدی انجام نمی‌دادند. اما بودند دانشجویانی که برای این کار خیردست در جیب کردند و خریدهایی هم انجام دادند.

این بازارچه خیریه تاثیر بسیاری در ترویج روحیه انسان دوستی در بین دانشجویان دارد که امیدواریم با پشتیبانی که مسئولین دانشگاه می‌توانند از این گونه فعالیت‌ها داشته باشند در سال‌ها آتی شاهد رونق بیش از پیش آن باشیم.



صرف آوردن دلایلی، خوابگاه متاهلی رو از خانم‌ها دریغ نکرد که تا او مدن بگن: خوابگاه متاهلی... در جواب بشنوند: هیس! خانم‌ها حرفی از خوابگاه متاهلی نمی‌زنند و یا زبونتو گاز بگیر و از این جور حرفا. هر چند تقریباً این جوابیه که در این یکی دو سال اخیر آقایون هم زیاد می‌شنوند و تقریباً داره دو طرفه میشه.

اما امیدواریم که انشاءالله در آینده‌ای نه چندان دور، وعده‌ی خوابگاه متاهلی (وعده‌ای که به سرانجام برسه)، به همه‌ی دانشجویان داده بشه تا با خاطره‌ای خوش از دانشگاه فارغ‌التحصیل بشن (آرزو بر جوانان عیب نیست).

این فکر به ذهن خطور کنه که «هر که طاووس خواهد...»، اما این رو هم باید مدنظر قرار بدیم که حداقل، دانشگاه‌های خوبی چون دانشگاه‌ها، باید تمام امکانات رفاهی رو برای دانشجویانش فراهم کنه تا در کمال آسایش روحی به تحصیل بپردازند. بعضی از خانم‌ها می‌گفتند که همسرانشون راضی بودن که به تهران بیان و در اینجا مشغول به کار بشن، ولی خودشون رفت و آمد نکنند و یا در صورت بودن چنین موقعیتی، به جای اینکه خودشون در سفر باشن، همسرانشون به دیدن اون‌ها بیان. در هر حال باید چاره‌ای اندیشید و

اون اینه که خانم‌های دانشجو هم نیاز به آرامش روحی و روانی دارند که اون هم از بودن در کنار همسر و خانواده تامین میشه. جدای از این مسئله که بعضاً پیش میاد که یا به ماه هستند و در پایان ترم تحصیلی، و امکان گرفتن مرخصی رو ندارند. درست هم نیست که یک فرد مجرد رو با یک فرد متاهل بسنجیم، چون کسی که متاهله، متعهد به زندگی هم هست، اما این رفت و آمدهای خسته‌کننده که ممکنه یک دانشجوی متاهل رو حتی برای یک ماه از خانواده‌ش دور کنه، اصلاً مطابق با فرهنگ اسلامی ما نیست. شاید

شاید این فکر به ذهن خطور کنه که «هر که طاووس خواهد...»، اما این رو هم باید مدنظر قرار بدیم که حداقل، دانشگاه‌های خوبی چون دانشگاه‌ها، باید تمام امکانات رفاهی رو برای دانشجویانش فراهم کنه تا در کمال آسایش روحی به تحصیل بپردازند.

در سال‌های گذشته، در پایان ترم اول به آقایون متاهل و به خانم‌ها خیر. ولی خیلی نگران‌کننده نیست چون در سال‌های اخیر و نیز امسال باید آقایون دو یا سه ترم تحصیلی رو بگذروند (البته بهتره ارشد نباشند چون درسشون تموم میشه و دیگه نیازی ندارن) تا صاحب خوابگاه متاهلی بشن، و باز هم خانم‌ها، خیر. حالا باید علت بررسی بشه. علت رو سرپرست بودن مردان می‌دونند که خب حقیقت است و قانع‌کننده، اما باید به بعد دیگه‌ی قضیه هم نگاه کرد و

تاکید بر توسعه ارتباطات بین‌المللی دانشگاه



دانشگاه دریافت و اجرایی شود. وی تاکید کرد: در حال حاضر دانشگاه‌ها باید به سمت دانشگاه‌های نسل سوم حرکت کنند که این دانشگاه‌ها دارای دو ویژگی تولید فناوری و روابط بین‌المللی قوی هستند.

وی خاطر نشان کرد: در رابطه با بررسی راهکارهایی برای ارتقای سطح همکاری‌های علمی بین‌المللی برای همه دانشگاه‌های کشور؛ ماموریتی به دانشگاه تربیت مدرس محول شد که این موضوع منجر به تدوین آیین‌نامه وزارتی شد و ما در حال حاضر آن را به عنوان یک دستورالعمل غیر رسمی و سند انجام کار در دانشگاه مدنظر قرار دادیم. مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه تصریح کرد: بحث فرهنگ‌سازی در سطح دانشگاه برای فعالیت بین‌المللی استادان، دانشجویان و کارکنان بسیار حائز اهمیت است. ترغیب اساتید با سابقه و

بلند مدت مشترک با دانشگاه‌های مطرح جهان، برگزاری دوره‌های آموزشی بین‌المللی، توسعه فرصت‌های مطالعاتی و دوره‌های فرا دکتری و رفت و آمد استادان خارجی به دانشگاه از جمله مواردی است که در توسعه ارتباطات بین‌المللی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در ادامه دکتر حاجی مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی با توضیحاتی درخصوص این جلسه اظهار داشت: در جلسه شورای همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه، شناسایی و سرمایه‌گذاری در موارد آسان‌تر و کم هزینه‌تر در جهت توسعه ارتباطات بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفت و در این راستا اعضای هیات علمی دانشکده‌های مختلف که سابقه و تجربه ارتباطات بین‌المللی داشته و در این زمینه علاقه‌مند هستند در این جلسه دعوت شدند تا نظرات و راهکارهای آن‌ها در زمینه توسعه تعاملات بین‌المللی

برجسته و نیز اساتید جوان به فعالیت‌های بین‌المللی، افزایش تحرکات بین‌المللی برای ثبت اختراع، حمایت از طرح‌های بین‌المللی دانشجویان و تشویق اساتید برای عضویت در هیات تحریریه مجلات بین‌المللی در این راستا موثر خواهد بود. همچنین تعیین اهداف بین‌المللی برای دانشگاه‌های مختلف با توجه به توان هر یک از آن‌ها و رفع موانع و محدودیت‌ها و تاثیر امور امنیتی همراه با هوشمند کردن نظارت‌های مخصوص باید مورد توجه قرار گیرد.

وی با اشاره به فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه آموزشی تاکید کرد: برگزاری دوره‌های مشترک آموزشی، کارگاه تخصصی، دوره‌های کوتاه مدت، برگزاری مدرسه آموزشی تابستانی، تاسیس شعبه‌های بین‌الملل و تقویت پردیس‌های بین‌المللی و پذیرش دانشجوی خارجی در زمره فعالیت‌های آموزشی می‌باشد.

وی افزود: در زمینه پژوهشی نیز برگزاری کنگره‌ها، همایش‌ها، کارگاه‌ها و گردهمایی‌ها، توسعه روابط علمی با دانشگاه‌های برتر جهان، ارتقای سطح کیفی همایش‌ها، اخذ فرصت‌های کسب گزنت و پروژه‌های بین‌المللی، راه‌اندازی طرح‌های تحقیقاتی راهبردی بین‌المللی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی و فرا دکتری، توسعه مراکز علمی بین‌المللی، ارتباط استادان دانشگاه با استادان دانشگاه‌های خارج و ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و پارک‌های علم و فناوری بین‌المللی باید مورد توجه قرار گیرد.

اتفاقیه

نشست مشورتی اعضای منتخب هیات علمی با اعضای شورای همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه، برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر احمدی رییس دانشگاه در سخنانی با اشاره به اهمیت ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها اظهار داشت: در نشست روسای دانشگاه‌ها، بحث توسعه روابط بین‌الملل دانشگاه مورد تاکید مسئولان دانشگاه‌های بزرگ کشور قرار گرفت.

وی افزود: دانشگاه‌ها عمیق‌ترین و مهم‌ترین جایگاه را برای توسعه روابط بین‌الملل دارند و در دنیای نوین هر ارگان و سازمانی اگر بخواید به تعالی برسد باید بین‌المللی شود تا بتواند در طراز دانش جهانی رقابت کند و در این راستا دانشگاه‌ها برای تامین چالاکی و کارآمدی، مجبور به اصلاح و ارتقای روال‌های اداری و اجرایی خود هستند.

رییس دانشگاه خاطر نشان کرد: در حال حاضر به دلیل فرصتی که به لحاظ کاهش تحریم‌ها در تعاملات بین‌المللی کشور ایجاد شده است می‌توانیم با رعایت منافع ملی فعالیت‌های بین‌المللی خود را گسترش دهیم و دانشگاه تربیت مدرس به عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر کشور از این بابت پتانسیل بالایی دارد.

وی با اشاره به محورهای توسعه ارتباطات بین‌المللی دانشگاه اظهار داشت: بهترین و مهم‌ترین راه برای توسعه تعاملات بین‌المللی، پذیرش دانشجوی خارجی است. برگزاری دوره‌های کوتاه مدت



مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



ریاست دانشکده عمران و محیط زیست در گفتگو با چشمه:

با درایت رهبری، کشور در مسیر درست حرکت می‌کند

نشریه چشمه قصد دارد در هر شماره به سراغ یکی از استادان دانشگاه برود و گفتگویی بی‌پرده با آنها داشته باشد. این شماره به سراغ دکتر حمزه شکیب ریاست دانشکده عمران و محیط زیست رفتیم. این استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس علاوه بر پژوهشگر، نمونه ۱۰ سال نیز در شورای اسلامی شهر تهران مشغول به فعالیت بوده است. متن ذیل حاصل گفتگوی ما با این استاد آرام و خونگرم لامردی دانشگاه است.



گفت و گو از طاهار رضوانی

در ابتدا خودتان را معرفی کنید

من حمزه شکیب متولد سال ۱۳۴۰ هستم. اصالتاً اهل جنوب فارس شهرستان لامرد هستم. تا کلاس هشتم دبیرستان در آنجا به تحصیل ادامه دادم و در سال ۱۳۵۲ با خانواده به کشور کویت رفتم و تا اخذ دیپلم در آنجا اقامت داشتم. دلیل خاصی بود که به کویت رفتید؟ اهالی جنوب فارس ارتباط نزدیکی از قدیم با کشورهای حاشیه خلیج فارس داشتند و بین کشورهای خلیج فارس در آن زمان کویت به لحاظ فرهنگی و رفاه اجتماعی و وضعیت بهتری نسبت به کشورهای دیگر داشت. معمولاً این گونه بود که اکثر اهالی جنوب فارس یک عضو از خانواده آنها در کشورهای خلیج فارس مقیم بودند. از قدیم پدر بزرگ و خانواده مادریم رفت و آمد زیادی به کشور کویت داشتند.

پس این اقامت اتفاق خاصی محسوب نمی‌شد؟

نه عادی بود. شاید همین الان هم خیلی از بستگانمان در آنجا مقیم و تبعه شده‌اند که شاید برخی از آنها فارسی هم بلد نباشند.

قبولی شما از کویت در دانشگاه تهران چطور بود؟

آن زمان قانونی بود که دانش آموزان ایرانی مقیم کویت که دیپلم می‌گرفتند می‌توانستند مستقیماً وارد دانشگاه تهران شوند در سال ۱۳۵۲ کلاس نهم را در دبیرستان ایرانیان مقیم کویت آغاز کردم و تا دیپلم به مدت ۴ سال در این دبیرستان مشغول به تحصیل بودم. سال ۱۳۵۶ در سن ۱۶ سالگی دیپلم را اخذ کردم و در همان سال وارد دانشگاه تهران شدم و به ایران برگشتم. در همان سال اعتصابات دانشجویی فراگیر شده بود که در اواخر ترم دوم و اوایل سال ۱۳۵۷ به کویت برگشتم. به دلیل تعطیلی دانشگاه و اینکه یکی از همکلاسیهای دوره دبیرستانم به هندوستان رفته بود برای ادامه تحصیل به هندوستان رفتم. لیسانس عمران را از سال ۵۸ الی ۶۳ از دانشگاه بنگلور اخذ نمودم. سال ۶۴ فوق لیسانس را در انستیتو تحقیقاتی هند-دهلی شروع کردم و در ابتدای سال ۶۶ به اتمام رساندم. دوره دکتری را نیز در همین دانشگاه شروع کردم و در سال ۷۰ به اتمام رساندم. و در

همان سال به ایران برگشتم و به عضویت هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس در آمد. در سال ۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۸۳ به مرتبه استادی نایل شدم. چند فرزند دارید؟

۲ دختر و ۱ پسر دارم. دخترم دانشجوی معماری دانشگاه تهران است و پسرم در مقطع ارشد عمران گرایش حمل و نقل دانشگاه شریف مشغول به تحصیل و دختر کوچکم محصل است. شما غیر از تدریس در دانشگاه تربیت مدرس فعالیت دیگری هم داشته‌اید؟ بله، در ابتدایی که به دانشگاه تربیت مدرس آمدم چند ماه بعد در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن دو سالی معاون پژوهشی آن مرکز بودم. از سال ۸۰ الی ۸۴ در بنیاد مسکن؛ رئیس مرکز سوانح طبیعی ایران شدم بخش عمده‌ای از کارهای مقابله با سوانح طبیعی وزارت کشور را در آن مرکز انجام می‌دادیم. در سال ۱۳۸۰ برای فرصت مطالعاتی به کانادا رفتم و

در دانشگاه مراجعین طیف دانشجوی هستند و به دنبال علم و یادگیری مبحث علمی هستند. لذت خاص خودش را دارد. مطالب علمی را به دانشجویان یاد می‌دهید و یاد می‌گیرید. یکسری همکاری دارید که ارتباطاتشان علمی است و هنگام تبادل نظر چارچوب بحثها علمی است. اما در شورای شهر بحثها کاملاً متفاوت است. لابی‌های خاص خود و محیطی متفاوت دارد زمانی که آنجا بودم برای استراحت به دانشگاه می‌آمدم.

سال ۸۱ به ایران باز گشتم. در همان سال در انتخابات شورای شهر شرکت کردم و مورد اقبال شهروندان تهرانی قرار گرفتم. از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۶ عضو دومین دوره شورای اسلامی شهر تهران بودم و در سومین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران دوباره کاندید شدم و مجدداً انتخاب گردیدم. این دوره شش سال بطول انجامید و تا سال ۱۳۹۲ عضو شورای اسلامی شهر تهران بودم. ۶ سالی هم ریاست کمیسیون عمران و توسعه شهری را برعهده داشتم. بعد از ده سال حضور در شورای شهر تهران از سال ۹۳ ریاست دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست را برعهده دارم.

مسئولیت شما در شورای شهر که به مدت ۱۰ سال طول کشید سخت بود؟

خوب فضای خاص خود را داشت. مثل محیط دانشگاه نیست. در دانشگاه مراجعین طیف دانشجوی هستند و به دنبال علم و یادگیری مبحث علمی هستند. لذت خاص خودش را دارد. مطالب علمی را به دانشجویان یاد می‌دهید و یاد می‌گیرید. یکسری همکاری دارید که ارتباطاتشان علمی است و هنگام تبادل نظر چارچوب بحثها علمی است. اما در شورای شهر بحثها کاملاً متفاوت است. لابی‌های خاص خود و محیطی متفاوت دارد زمانی که آنجا بودم برای استراحت به دانشگاه می‌آمدم. انرژی مضاعف می‌گرفتم و دوباره به شورا می‌رفتم، سعی می‌کردم در شورا تکالیفم را درست انجام دهم. زمانی که آنجا بودم هم بعنوان عضو شورای شهر و هم بعنوان رئیس کمیسیون عمران و توسعه شهری همه سعی‌ام را می‌کردم نماینده خوبی در شورای اسلامی شهر تهران برای دانشگاهیان باشم.

در شورای شهر در کدام لیست انتخاباتی قرار گرفتید؟

در هر دو دوره عضویت در شورای اسلامی شهر تهران با لیست اصولگرایان انتخاب شدم. لیست‌های متفاوتی بود که در همه لیست‌های اصولگرایان قرار داشتم.

با کدام افراد سیاسی که کار کردید راحت تر بودید؟

از نظر من آقای مهندس چمران انسانی پاک، سالم و توانمند است. در این مدت ۱۰ سال که مستقیماً با ایشان کار کردم همیشه مشاهده کردم که اصول و مبانی علمی را معیار عمل خود قرار می‌دهد. آقای دکتر شیبانی را بعنوان الگو خودم قرار داده بودم که ایشان هم یک دوره شش ساله عضو کمیسیون عمران بود. ایشان شخصیت منحصر به فرد دارد. زرق و برق دنیا برایش بی‌ارزش است. من با آدم‌های سیاسی زیادی کار کرده‌ام. هر فردی یک ویژگی خاص خود را دارد. باور من بر این است که ما باید در کنار هم قرار بگیریم و هم افزا باشیم. با این عمل می‌توانیم نقاط ضعفمان را بپوشانیم و به جامعه‌مان بهتر و موثرتر خدمت کنیم.

آقای دکتر بزرگ‌ترین دغدغه‌ی شما در محیط خانواده و کار بعنوان یک استاد عمران چیست؟

بزرگ‌ترین دغدغه‌ی من جوانان‌مان

هستند. خدا نکند به جایی برسیم که جوانان ما تعهدشان نسبت به جوانان زمان انقلاب کم رنگ شود و این یکی از نگرانی‌های من است. همیشه می‌گویم که خدا کمک کند که جوانان ما در مسیری قرار بگیرند که دلشان برای مملکت‌شان، کشورشان بتپد و کار کنند و تلاش کنند و به آینده امیدوار باشند. ما زمانی که دانشجوی بودیم بدون هیچ امکاناتی تشکلی را تشکیل می‌دادیم و انجمن علمی درست می‌کردیم سمینار برگزار می‌کردیم و همچنین مجموعه مقالات را تهیه می‌کردیم و این کارها را خودجوش انجام می‌دادیم. یکی دیگر از دغدغه‌های اینجانب اخلاق اجتماعی است. منظور من محبت‌های اجتماعی است. به اعضای خانواده خود بسیار احترام می‌گذاریم. وقتی که همدیگر را می‌شناسیم، خیلی نسبت به همدیگر احترام قائلیم. ولی وقتی بیرون می‌آییم متأسفانه این را رعایت نمی‌کنیم. چقدر خوب است و من آرزویم این است که

آینده‌ی بسیار روشن
در انتظار جوان ما است. آینده‌ی آن جوانان ما می‌باشد. علم روز و تکنولوژی در آینده‌ی نزدیک مجدداً به مشرق زمین باز خواهد گشت. فتنه‌های ایجاد شده در منطقه به خودشان باز خواهد گشت. اما باید توجه کنی روشنایی به خودی خود هویدانی نمی‌شود. مگر با کار و تلاش مضاعف و اتحاد. باید کم‌کاربهای گذشته را جبران کرد. خوشبختانه با درایت معمار انقلاب اسلامی و رهبری، کشور مسیر درست خود را پیدا کرده است.

یک زمانی کسی این فکر را داشته باشد که همیشه این شهروندان اعضای خانواده او هستند یعنی همین حسی که من نسبت به بچه‌هایم دارم وقتی به دانشگاه می‌آیم نسبت به دانشجویان و همکاران و کارمندان داشته باشم وقتی که در خیابان رانندگی می‌کنم همان حس را نسبت به همه داشته باشم و در عمل این اخلاق و رفتار اجتماعی را پیاده کنیم. متأسفانه احترام اجتماعی هر روز کم رنگ‌تر می‌شود و من بعنوان یک معلم استدعایم این است، مخصوصاً به جوانان، واقعا فکر کنند که همه هموطنان اعضای خانواده‌شان هستند و احترامی که به خانواده می‌گذاریم به دیگران هم

بگذاریم این عمل باعث نشاط و شادابی مجموعه‌ی جامعه و خودمان می‌شود. توصیه شما به دانشجویان چیست؟

من همیشه وقتی درس دینامیک سازه را تدریس می‌کنم در این درس وقتی ساختمانی را تحلیل می‌کنیم اول باید ساختمان را خوب بشناسیم و همچنین بار دینامیک اعمالی مثل بار زلزله را خوب بشناسیم. وقتی این دو را شناختیم بخواهی می‌توانیم رفتار ساختمان را به خوبی پیش‌بینی کنیم. به عبارتی رفتار را از قبل مهندسی نمودیم. به دانشجویان می‌گویم در رفتار اجتماعی هم همین حالت‌ها وجود دارد. به آن‌ها می‌گویم شما دوستان مختلفی دارید مثل ساختمان‌ها و سازه‌ها هستند و هر دوست و فردی یک ویژگی دارد که شما باید ویژگی‌های آن فرد را خوب بشناسید و از طرف دیگر هر حرف یا اقدامی را باید با سنجش به فرد مورد نظر خود منتقل نمایید. هر کسی تحمل هر حرف شما را نخواهد داشت. باید با شناخت نسبت به آن فرد صحبت را منتقل نمود. با این شناخت است که می‌توانید محیط اطراف خود را مهندسی کنید. هم خود و هم اطرافیان لذت ببرند و بدین صورت در جامعه با نشاط تاثیرگذار باشید.

آینده کشور را چگونه می‌بینید؟

آینده‌ی بسیار روشن در انتظار جوان ما است. آینده‌ی آن جوانان ما می‌باشد. علم روز و تکنولوژی در آینده‌ی نزدیک مجدداً به مشرق زمین باز خواهد گشت. فتنه‌های ایجاد شده در منطقه به خودشان باز خواهد گشت. اما باید توجه کنی روشنایی به خودی خود هویدانی نمی‌شود. مگر با کار و تلاش مضاعف و اتحاد. باید کم‌کاربهای گذشته را جبران کرد. خوشبختانه با درایت معمار انقلاب اسلامی و رهبری، کشور مسیر درست خود را پیدا کرده است. در دانشگاه‌ها تولیدات علمی خود را باید تجاری کنیم. تا واردات را به حداقل ممکن برسانیم و صادرات غیر نفتی را افزایش دهیم. به بهانه‌های سیاسی همدیگر را حذف نکنیم. از پتانسیل حداکثری و تمام توان استفاده کنیم. زیر ساخت‌ها برای رسیدن به قله اوج آماده است، نیاز به همت و درایت سطوح مختلف مسئولین، دانشگاهیان، دانشجویان و آحاد مردم دارد که امیدوارم این آرزوها محقق شوند.